شیوه شکسته نگارشی

نگارش شعر در شکسته نویسی از انجمن خوشنویسان ایران

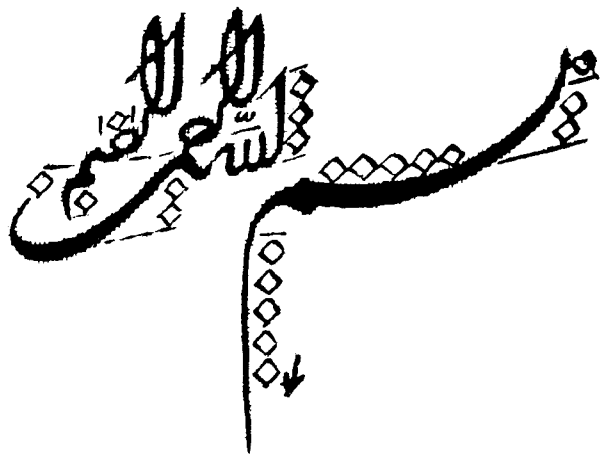

مشعشعی ، رضا ، ۱۳۲۹ -
شیوه شکسته‌نگاری / تألیف رضا مشعشعی. ــ تهران: یساولی، ۱۳۸۱. ۶۲ ص. : مصور.
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا. ISBN 978-964-306-041-1
چاپ یازدهم: ۱۳۸۷.
۱. خط شکسته ــ راهنمای آموزشی. ۲. خوشنویسی ــ راهنمای آموزشی . الف. عنوان.
NK۳۶۲۳/آ۳م۴۸ فا۷۴۵/۶۱۹
کتابخانه ملی ایران ۷۷م-۱۱۵۲۳

شیوه شکسته نگاری

مؤلف: رضا مشعشعی
لیتوگرافی: نقش آفرین
چاپ یازدهم: ۱۳۸۷ ، شادرنگ
تیراژ : ۴۰۰۰ نسخه
ناشر: انتشارات یساولی
تهران: میدان انقلاب، بازارچه کتاب، طبقه زیرین، تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۳ نمابر: ۶۶۴۱۱۹۱۳
تهران: خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، ساختمان ۲۵۳، واحد ۳۰۲ تلفن: ۶۶۴۰۹۴۷۹
info@yassavoli.com
www.yassavoli.com
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۶-۰۴۱-۱
بها: ۱۷۵۰ تومان
حق چاپ محفوظ

شیوه‌ی شکسته‌نگاری

نگارش نظامی مدرس شکسته‌نویسی انجمن خوشنویسان ایران

پیش‌سخن

به استاد غلامحسین صدیقی و همه‌ی آن همشهری‌های عاشق صفاهانی

نگارنده از همان دوران هنرجویی، علاقمند به فلسفه‌ی رموز و قواعد خط شکسته شد، لیکن فقدان استاد آگاه و با تجربه در این رشته و نیز کمبود منابع و مآخذ، مراحل نخستین را به قطعات و آثار خوشنویسی - که جنبه‌های آموزشی داشته باشد - بسنده می‌کرد، و متأسفانه این کمبود و بی‌توجهی به این رشته از هنرهای زیبا، گذشت زمان چندین دهه را در بر گرفت. امروز مردم با ذوق و هنرمند جوان نه تنها قادر به خواندن آثار پیشینیان خود نیستند، بلکه بیشتر آنها خطی زیبا دلنشین و دارای نوشتن خط شکسته را یکی از زیباترین خطوط ایرانی نمی‌دانند و از جلوه‌های خوش هنری آن نیز ترکیب‌بندی با کمپوزیسیون باقی مانده لذت نمی‌برند، و با چاپارنوشتار خود با خط نامناسب و نامتعارف خود، این شیوه را بی‌رنگ انجام می‌دهند که نوشتن آن از نظر فنی مستلزم صرف زمان بسیاری است. بخلاف خط شکسته که بدلیل تندنویسی وجود آمده است. با گزارش مشکلات پیش‌گفته و اینکه نگارنده سالهای متمادی بررسی در آثار شکسته‌نویسان گذشته و معاصر در این رشته داشته، نظر خود و همکاران هنرجویان و دوستان عزیز بر آن شد تا جزوه حاضر را که بیشتر نتیجه استنباط و استخراج نکات تعلیمی از آثار پاکنویس قدماست همراه با پیاده کردن اصول و قواعد این هنر بر روی آثار نام آوران خوشنویسی چون استاد مهدی درویش، عبدالمجید و سید گلستانه و میرزا غلامرضا اصفهانی برشته تحریر درآورد، تا مایه توجه و دلبستگی بیشتر علاقه‌مندان به خط شکسته مسئله ترکیب‌بندی و کرسی از زبان گوناگونی و شیوه‌ای از خلاقیت‌های نهانی با تمرین و نیز کاوش در آثار قدما بر دوستداران خط شکسته آسان گردد. در این سخن کوتاه نمی‌گنجد، بلکه اول قدم عشق به این کار را گشاید: گفته رضا مشفی به کوشش دهند؛ انقدری هست که تلاش بکوشش در پایان امید داشت این خدمت ناچیز بتواند به بازسازی و رونق یکی از هنرهای اصیل و ارزشمند ایرانی یاری رساند.

رضا مشفی آذر ۱۳۶۱

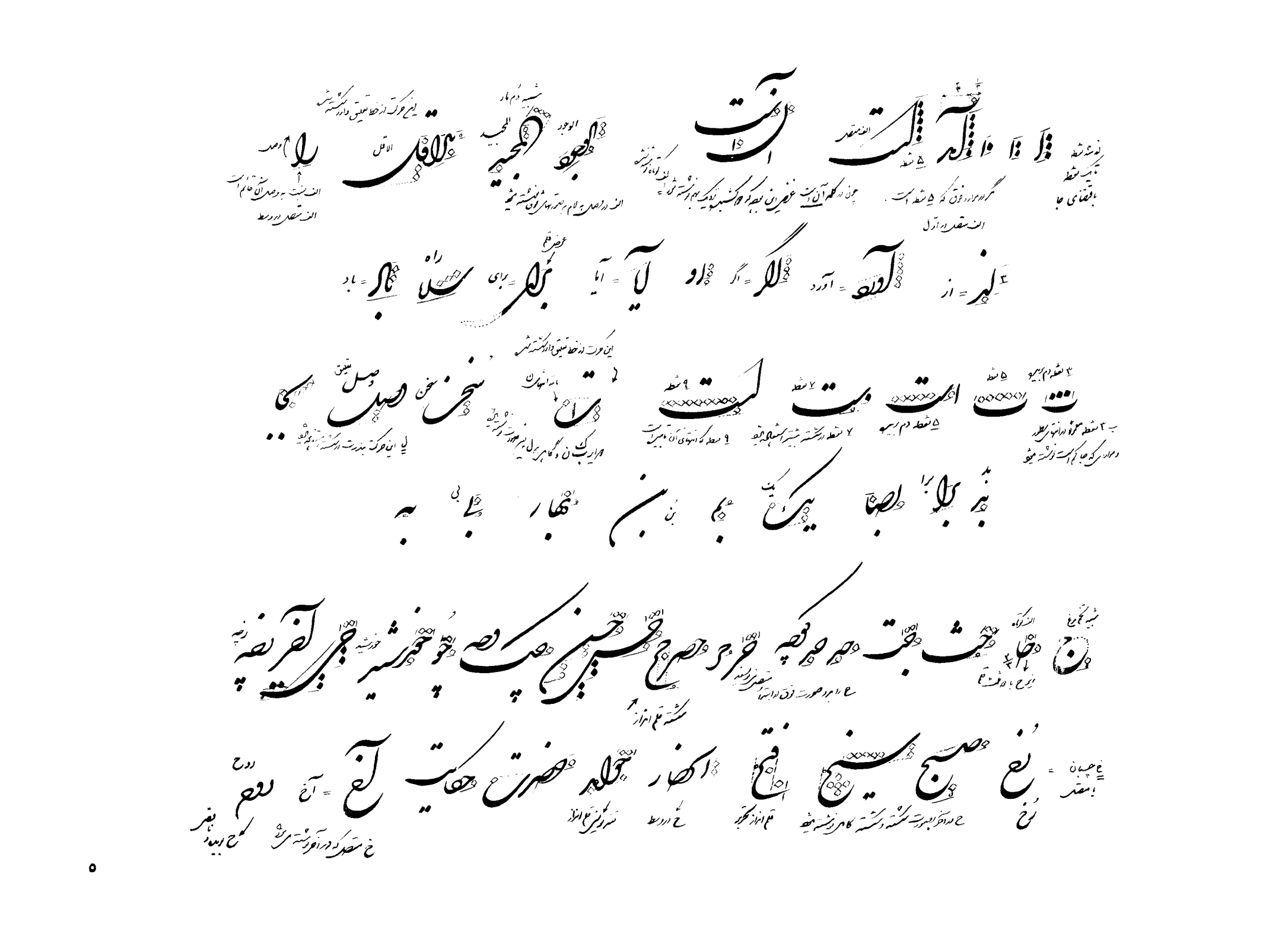

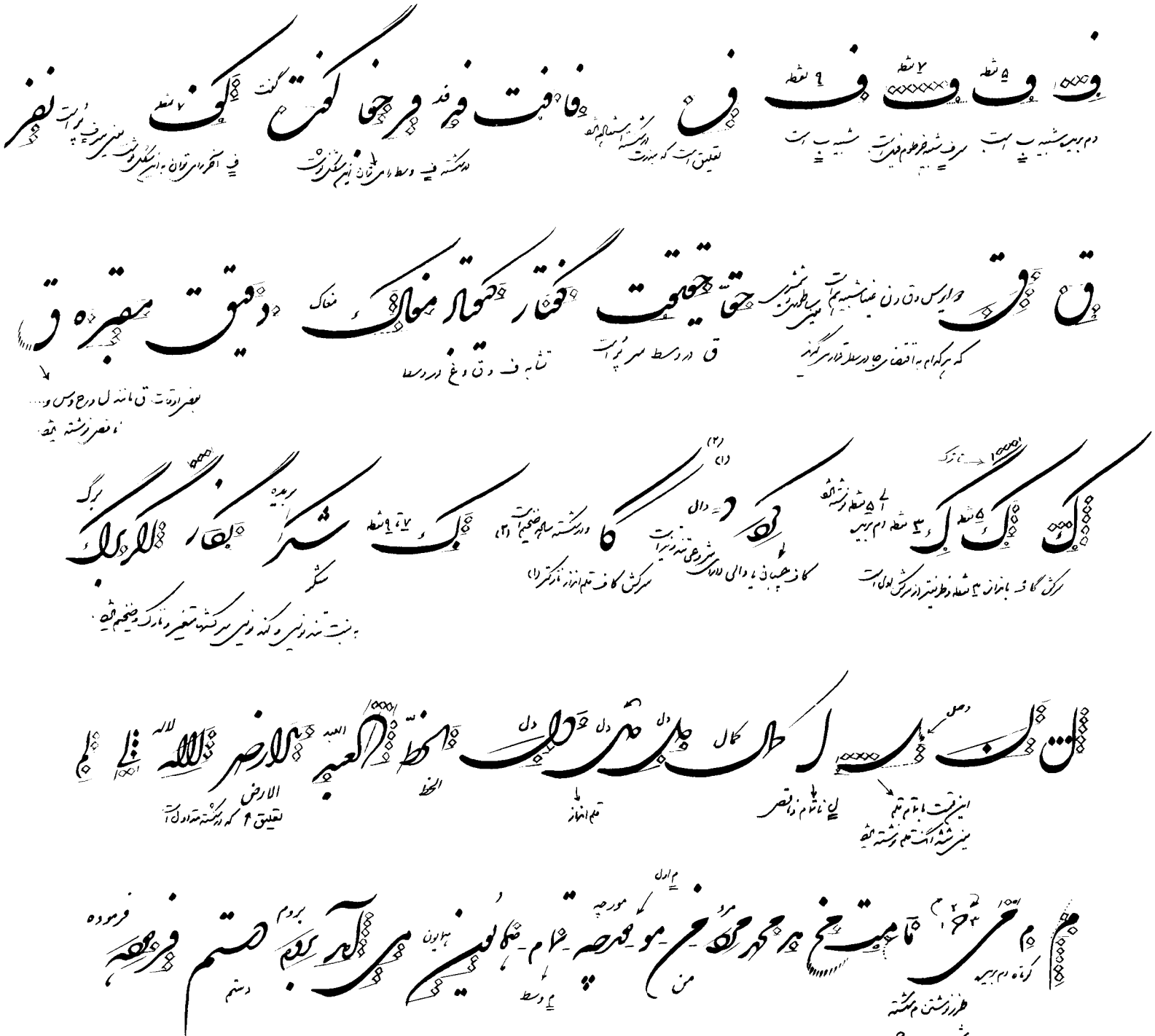
ف ف ف ف
۵ نقطه ۷ نقطه ۹ نقطه
دم بریده شبیه ب است
سر پیوسته ط ظ است شبیه ب است
تعلیق است که مهارت لازم است
ق ق ق ق
ق در وسط سر پر است
شبیه ف و ق و غ در وسط
ک ک ک ک
۵ نقطه ۳ نقطه دم بریده
۷ نقطه رشته
گ گ گ گ
سرکش گاف با مداد ۳ نقطه و طولانی‌تر از سرکش اول است
گاف چسبان یا دالی که لازم شود عوض شده و میزان است
سرکش گاف قلم انداز نازک‌تر (۱)
ل ل ل ل
۷ تا ۹ نقطه
شکر شکر شکر شکر
سکر
نسبت شده و نسبی و کلمه نویس سر کشیده متغیر و نازک و ضخیم است
ل ل ل ل
الله الله الله الله
الارض
تعلیق ۴ که در رشته متداول است
الخط
قلم انداز
این قسمت با تمام قلم
میز رشته است قلم رشته است
م م م م
کوتاه دم بریده
طرز رشتن م گشته
شبیه سر ج
دستم
فرموده

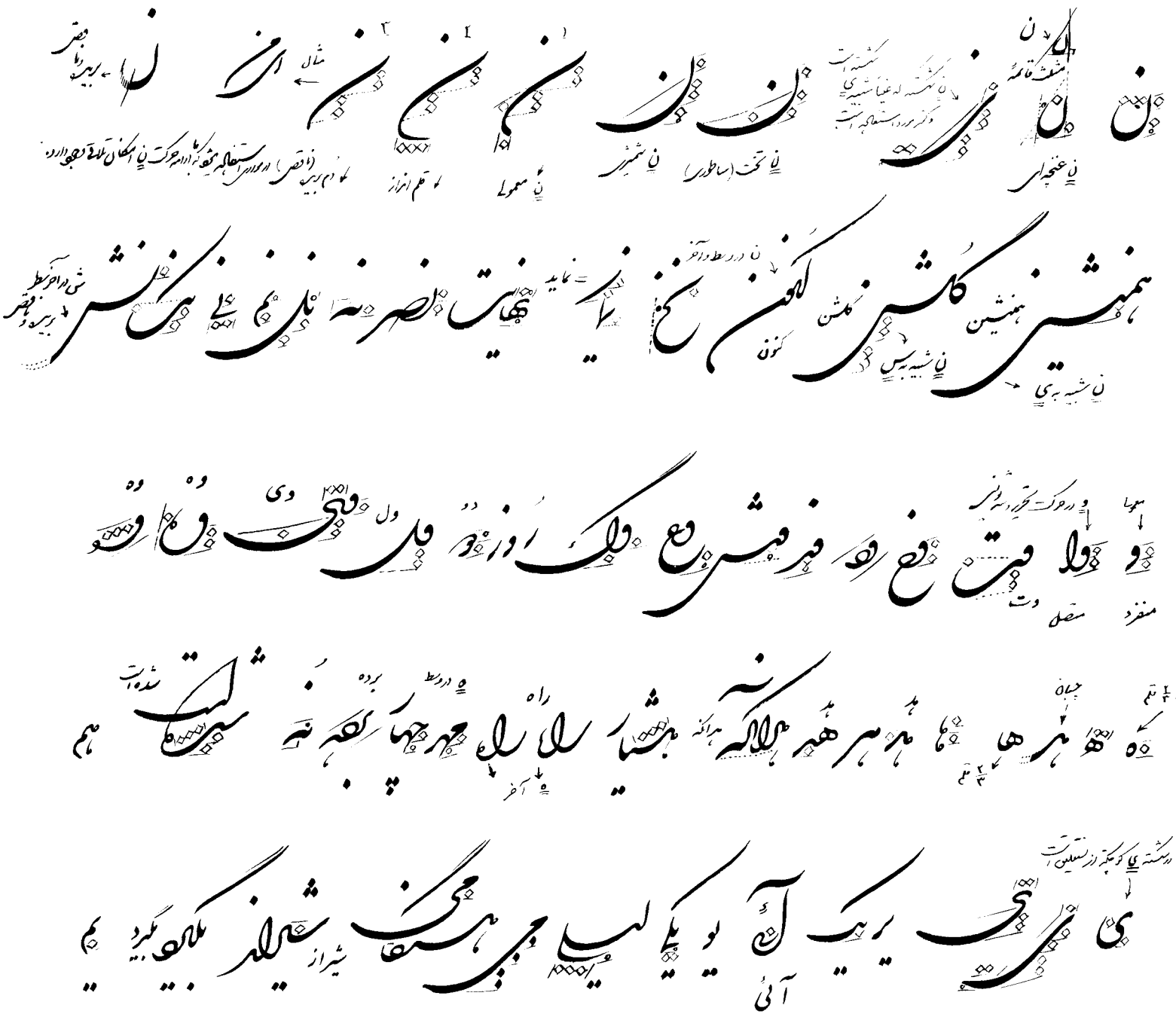

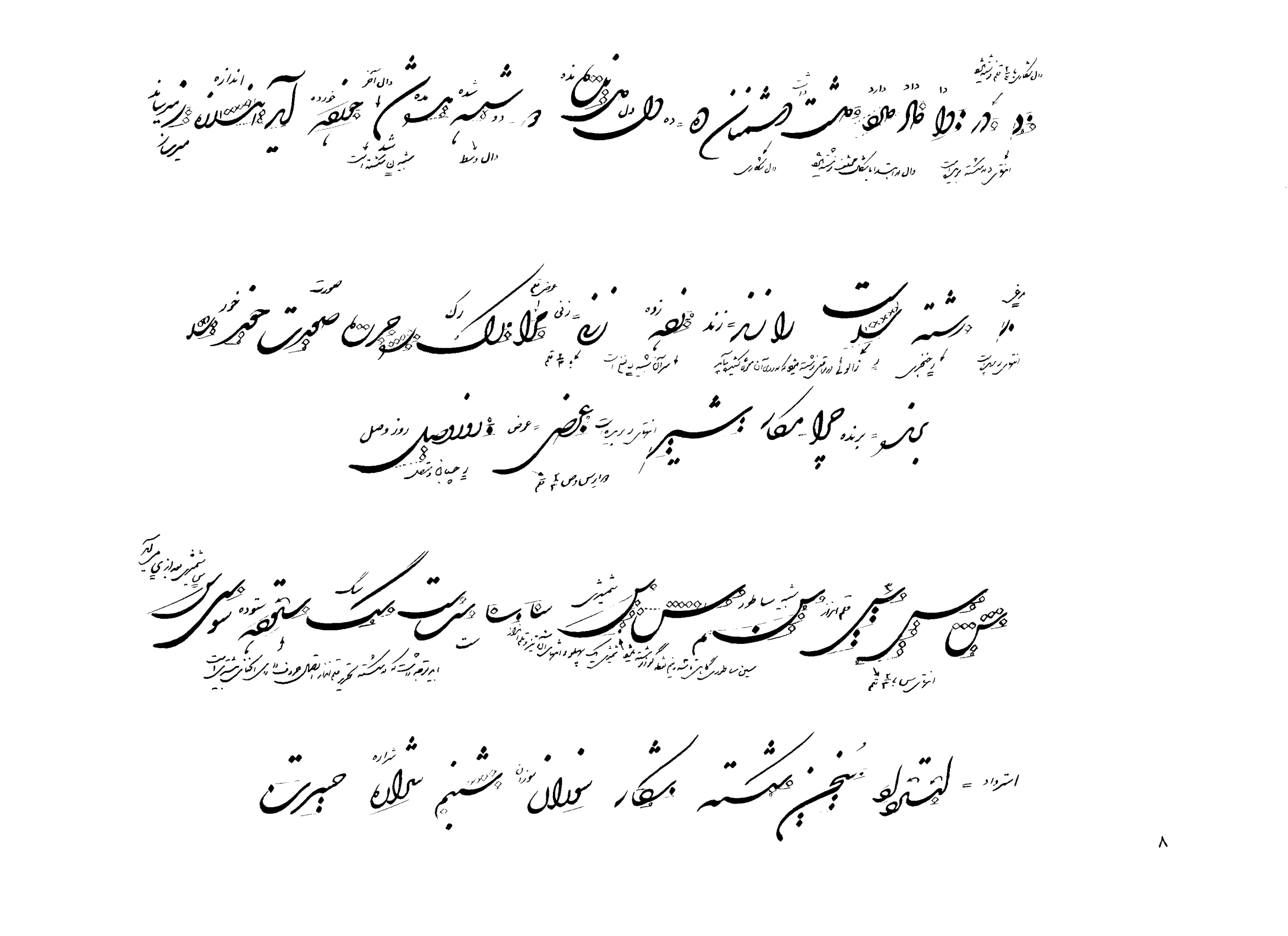

۸

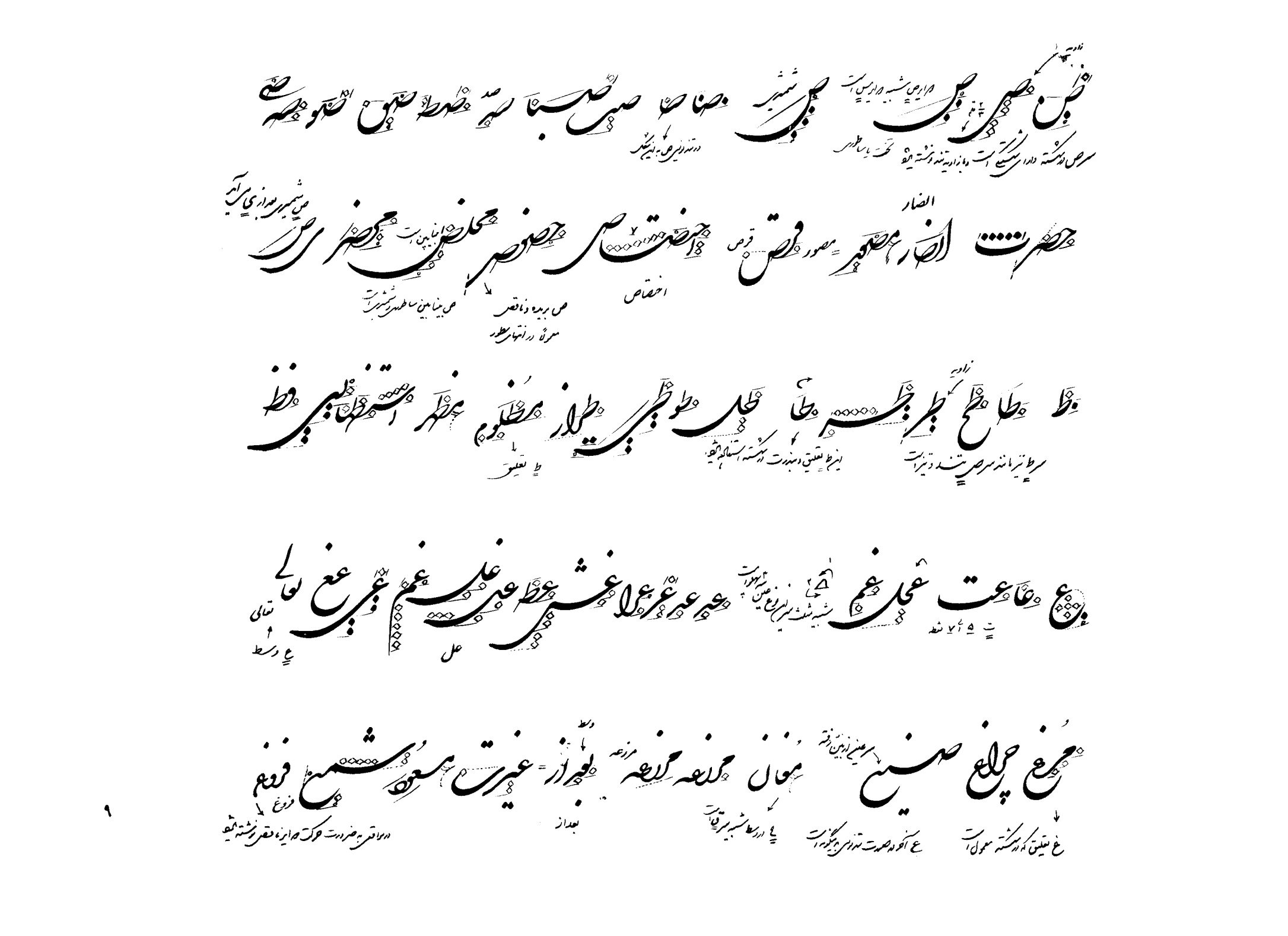

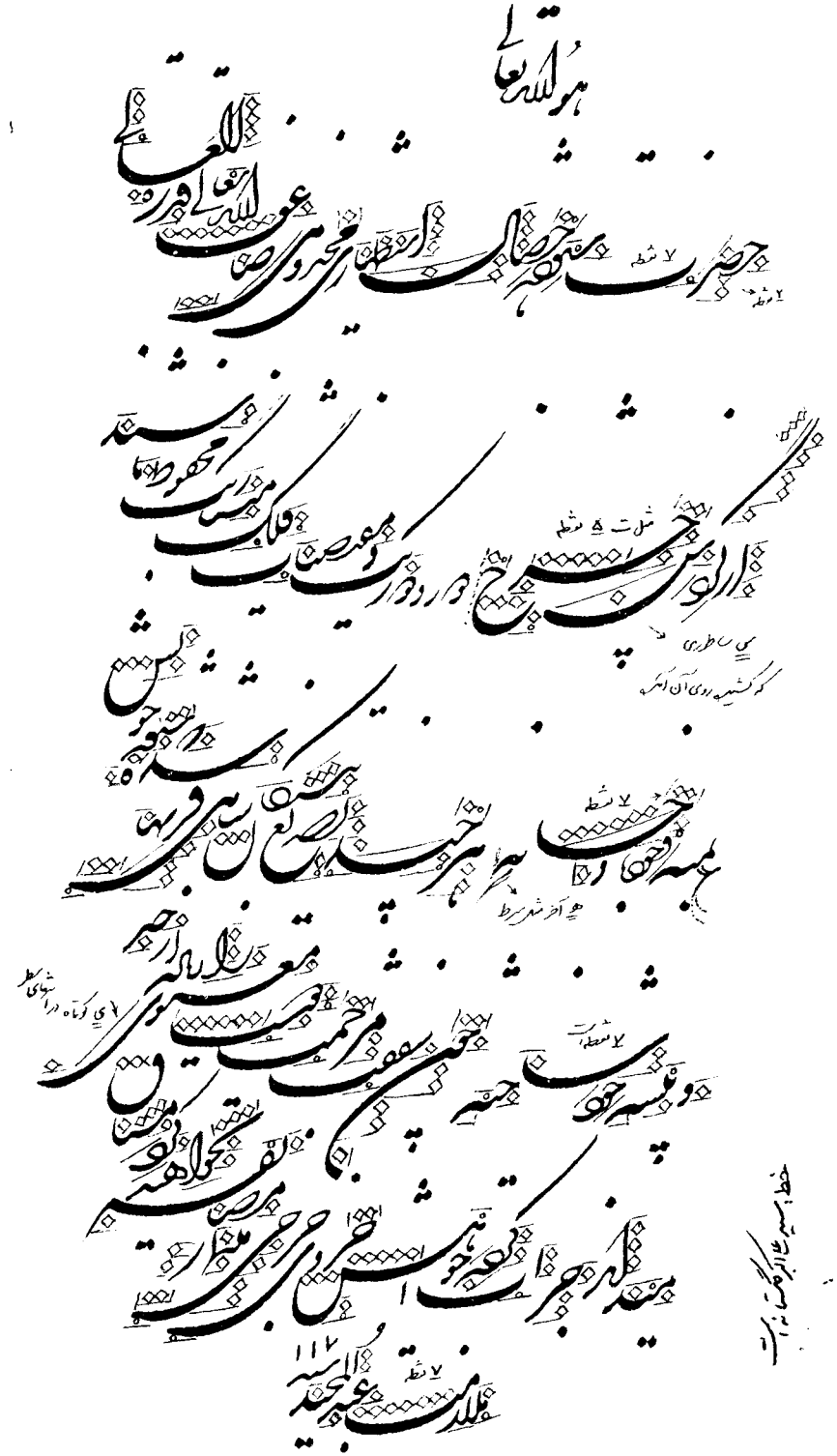

قطعه شکسته خط سید علی اکبر گلستانه است

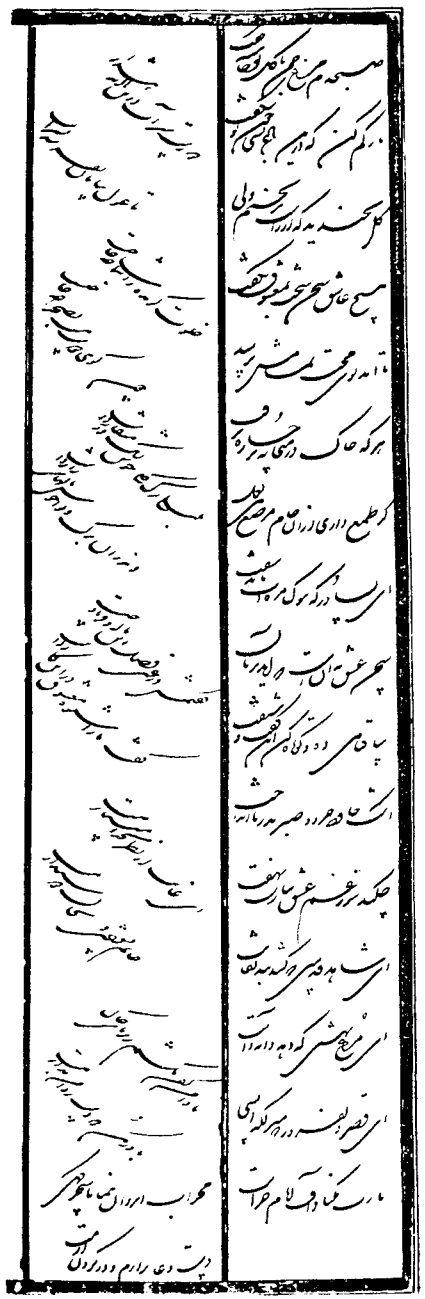

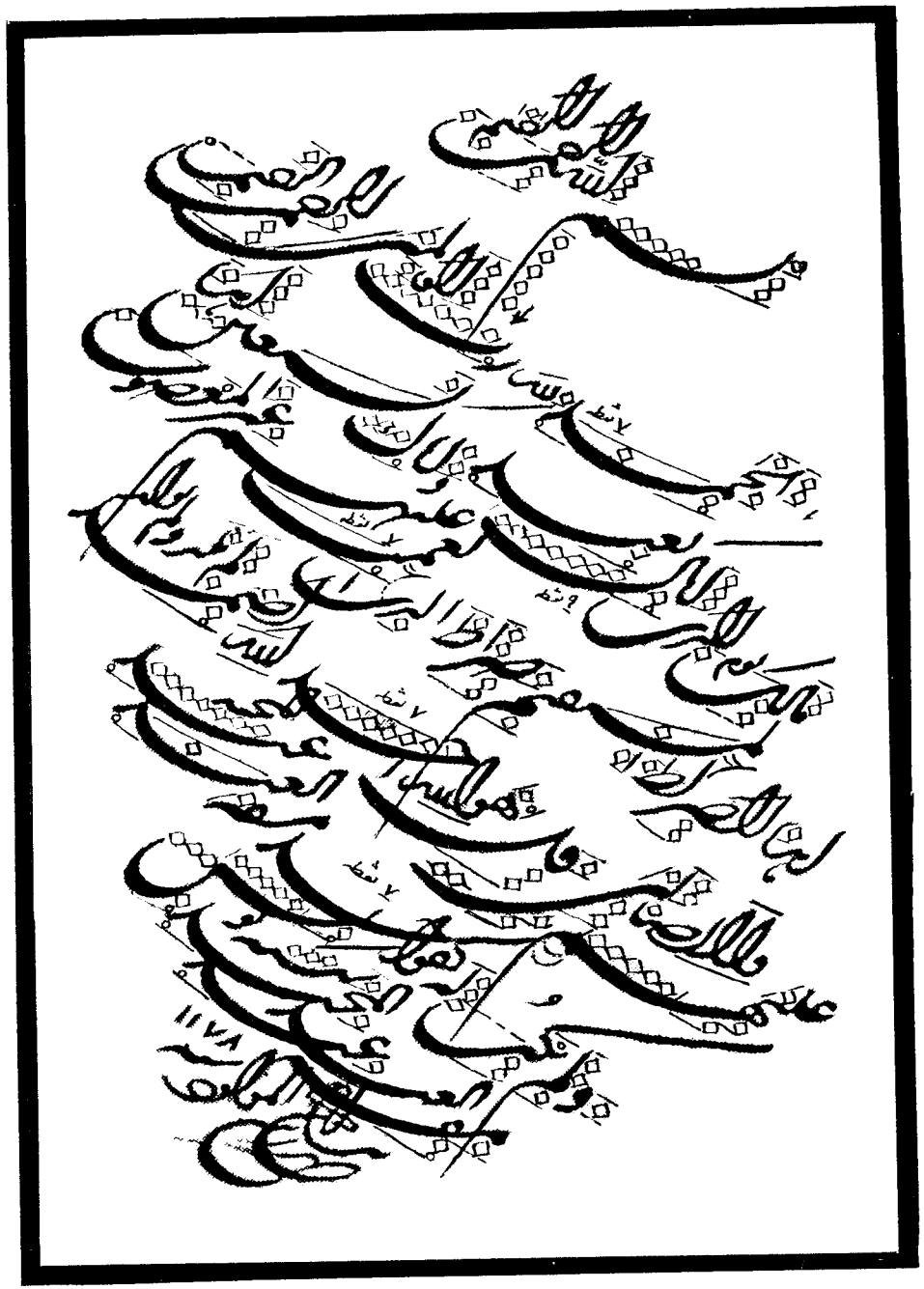

استاد کمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی

خط‌کشته بدست نقاشی استاد کمال‌الدین عبدالرزاق

بحر خیال رسید. وی از مردم طالقان قزوین بود

و با اینکه در جوانی در گذشته لایزال باشد، از او

یادگارهائی است. و تاکنون کسی ندانسته

قطعات خط و جلی را از کدام دست و یا کدام اثر او بوده

شاعر نیز بهره و خوش و مجید تخلص میکرده

وفات در دیشب در سن ۳۵ سالگی در اصفهان

سال ۱۱۸۵ هـ.ق اتفاق افتاده است

از نقاشان معروف دوره محمد قاسم اصفهانی

مشهور بمیرزا کوچک و گیری محمد رضا اصفهانی

مشهور به کرد مینیاتور نام برده.

بعضی از اصناف صفحه سیصد و هفتاد و یکم که در صفحه ۳۷۱ سطر ۱۵ از پائین

در مردم

اندراج جزو لیست در کل و نه اندراج طرف در مطرف لیست اندراج او در صفحه

محمد صباح لیست مطلق مطلق سعی از محمد تقی اسلام از طرف لیست صباح از

لصباح از طرف سیحون حرکت مداد حرکت صباح از لیست

فا عبارت از لیست و الواط طهرانی حق سیحانه و تعالی از طاها از صفحه

شعور را مردود شده نخواهد بود و فی فا در فاندراج لیست زیرا که صاحب فاء

زیرا که صاحب فاء دکانی حق شعور نیست صاحب فا که در صفحه

جهش که در صفحه شصت و دو از قبیل سیحان حرکت سیحانه نظر محمد

فقره اصناف دیگر دوم شهری صباح تقی در صفحه سی‌ام این صفحه

شکسته خوانی

بتاریخ شهر شوال سال یکهزار و دویست و نود و نه هجریه

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست

هر کجا هست خدایا بسلامت دارش

تشریف فرمائی ملازمان جناب مستطاب قبلة الانام ملاذ الاسلام

افتخار الحاج والمجتهدین قدوة الفقهاء الراشدین

حضرت آقائی حاجی میرزا هادی مدظله العالی دام اسلطنه اصفهان

یازدهم شهر جمادی الثانی اجعل مسافره خیرا (۱۲۹۹ قمری)

خط نگارنده میرزا غلامرضا اصفهانی است که یا علی مدد رقم میفرمود.

شکسته خوانی

وعده وصلم بفردا آن پری پیکر دهد
کام جان تشنه از لعل شکربارم دهد

بازمی رستم که فردا وعده دیگر دهد
این چنین تا روزگار ما چه بازیها کند

غم هجوم آورده میدانم که زارم میکشد
عاقبت نیکو بود گر دل بدین خوشحال نیست

وین غم دیگر که دور از روی یارم میکشد
ای خوشا وقتی که بخت خفته بیدار من شود

دوشم از داغ دوریت جان می‌سوخت

رضا عشقی آبان ۶۱

« بنام خدا »

پیش سخن

در سال گذشته نگارنده اقدام به نوشتن رسم الخطی در زمینه شکسته نویسی نمود و از نظر علاقمندان گذشت و هدف از تهیه این آموزش ارائه مطالبی در زمینه آموزش صحیح و نکات تعلیمی بهتر جهان و نوآموزان بود و به نظر به اهمیت موضوع نیاز

حروف مذکور به این نکته اختصاص داشته باشد چنین عزم آشنائی با این مبانی در نوشتن حروف متصل خط شکسته بعمل آید که ترکیب بندی دلکش باعث می شود که ترکیب بندی دلکش باعث می شود از

طرفی با بر تصمیم داشت شکسته نویسی بمعنی فکر هم تولید معنی حروف و کلمات متصل و تکرار آنها در صفحه نیست، بلکه مصداق هر چیزی که خوشنویسی شکسته است ابتدا با بر تعلیم حروف و کلمات ساده و از آن پس مسئله ترکیب بندی

همان جای گزینی درست و هماهنگی حروف متصل و منفصل و کشیدگی های مناسب با قضاء محلی قرار گیری در سطر و صفحه سازگار است. همانطور که می دانیم مسئله ترکیب بندی از چنان گیرائی و دلنشینی برخوردار است

متعلق بنگارش و نوشتن نظری با بیت رقعه های مختلف با تصمیم به دارد و سلیقه فعلی متن را اصول این هنر ارائه نمود. در نتیجه می توان گفت در این زمینه تصور اینکه کاغذ براشته و بعد نگارنده آن آشنا در حال حاضر

از تعلیم بعبارت نقطه کشیدن صرف نظر کرده و بیشتر تکرار حروف متصل و غیر متصل در خط شکسته بطوریکه با صرف وقت هنرجویان را با شیوه های مختلف صفحه آرائی آشنا نماید

در خاتمه نظر علاقمندان را بدین سطور جلب می نماید

* همانطور که میدانید حروف و کلمات خط شکسته در انتهای سطر با پیوستگی خاصی (اسلیم دادن) بر روی یکدیگر سوار شده و طرف بالا تمایل میشوند. باید دقت نمود که در نوشتن حروف و کلمات این سبک دستخوش هیچگونه تغییری نشوند و همان حالت طبیعی خود را حفظ نمایند.

* در صفحات آخر چند مثال از ترکیبهای متفاوت نوشته شده که نشان میدهد که چگونه میتوان حروف و کلمات را در شرایط گوناگون از نظر قرارگیری بشکلهای مختلف نوشت.

* چنین حروف خط شکسته با اشکال متنوع نوشته میشوند که یکی از آن میتواند بعنوان یک هنر کاملا انتزاعی به اعتبار تساوی و معنای جملات گوناگون نوشته‌های بسیار زیبا و بصورت آلبوم‌های شبیه به تابلوهای سیاه مشق خط ارزشمند

اعتباری بیش از اشکال معانی و مفاهیم می‌یابد و ما را به سوی فضاهای پر رمز و راز دعوت می‌کند و تداعی بی‌نظم و تداوم بی‌کشش که به ظرافت‌های تازه‌ای دست می‌یابد و باید گفت که این ترکیبها بسیار جذاب و زیبا

و شکل خط امروز را تشکیل می‌دهد، که در صفحه آخر چند نمونه با الهام از کارهای استادان گذشته در پیش نوشته شده است، همچنان باید در نظر داشته باشند تا فلگیری‌های مورد نظر را بصورت کامل و صحیح

رضا مشفقی - مدرس شکسته نویسی انجمن خوشنویسان ایران

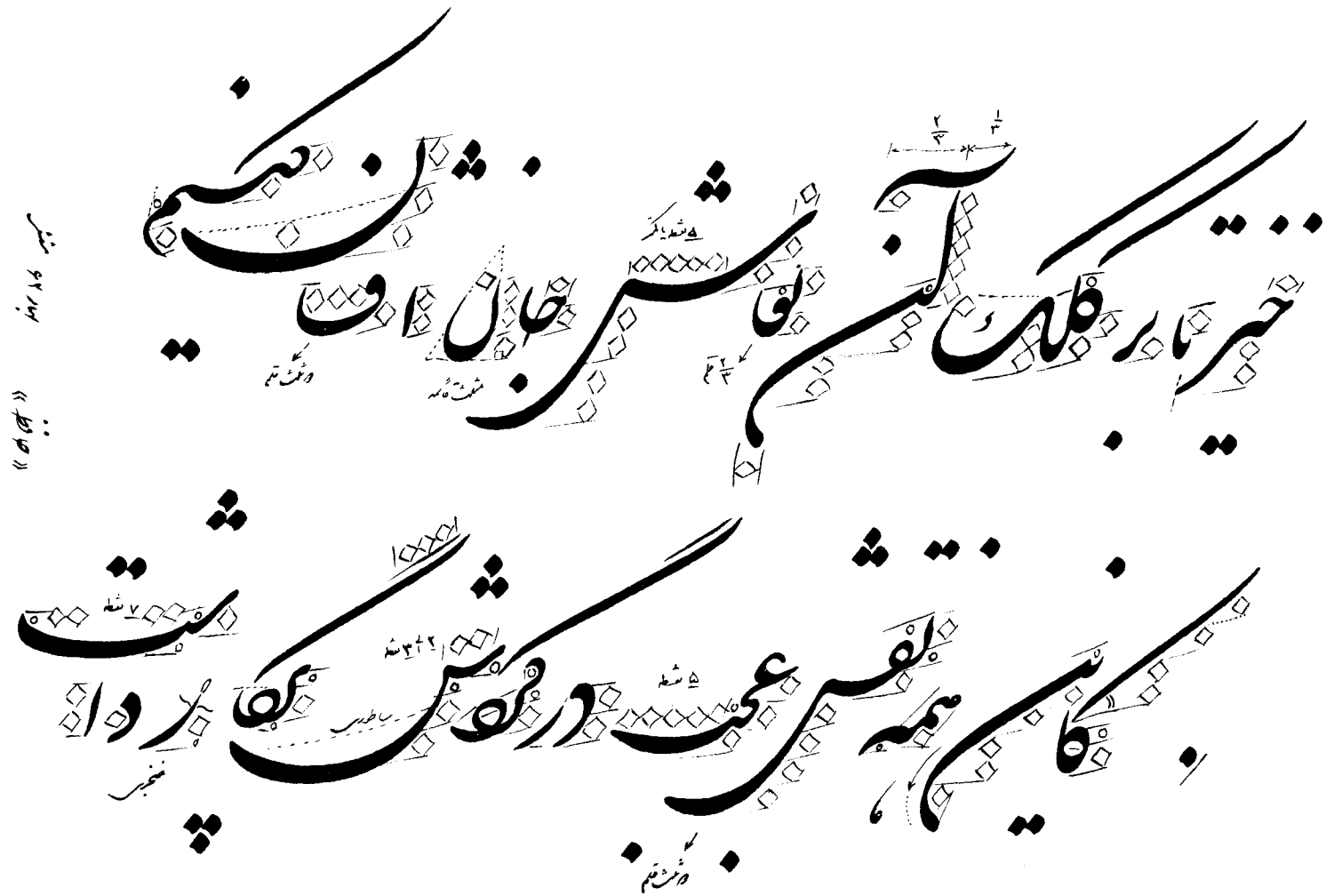

چگونه شرح رنج غربت بادیم بروم

به شیراز نامه‌ای ننویسیم

بجار ۶۲ م شعشعی

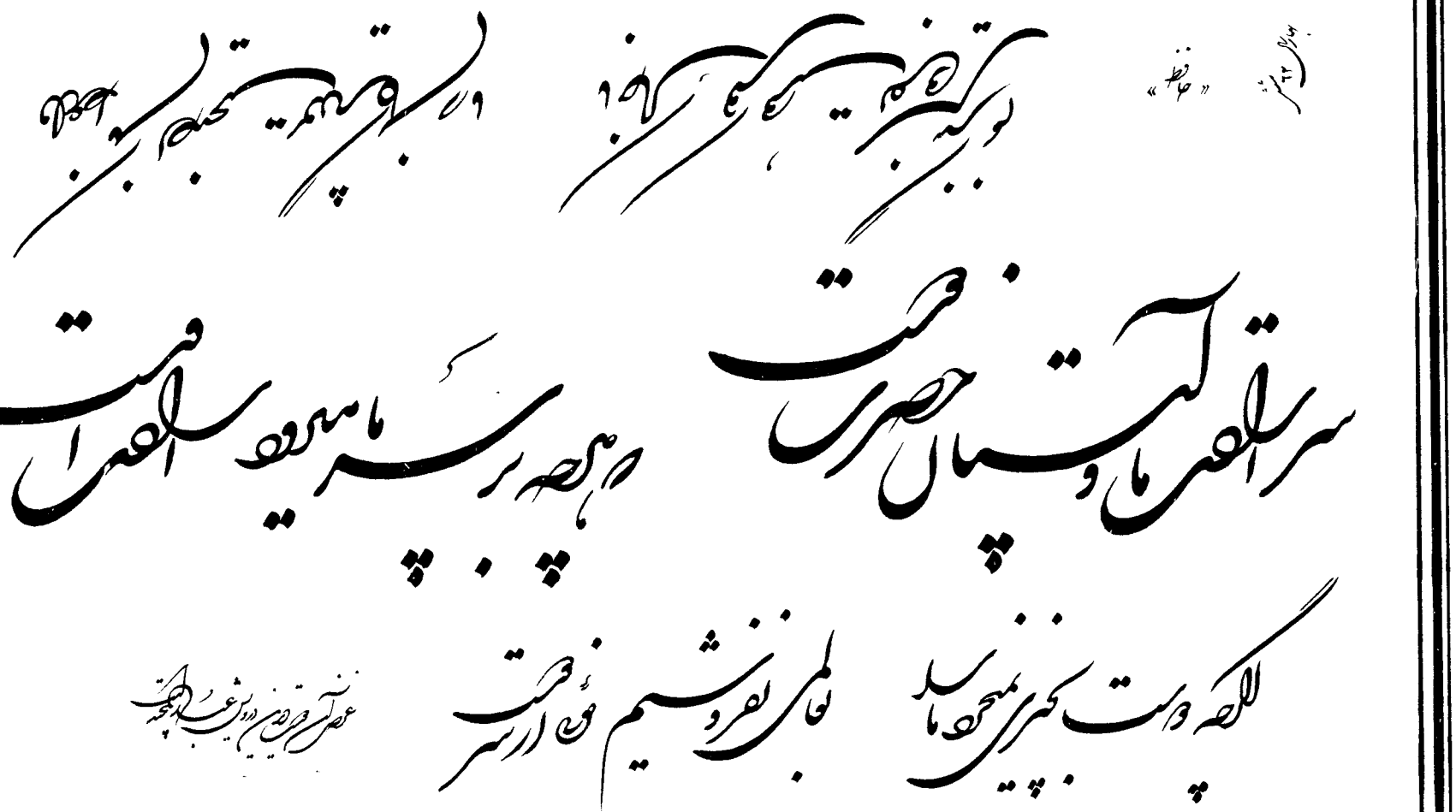

۲۰

صفحه‌ی دلم شد پر نقش یار سنگین
تا که همه هستی‌ام شد یار سنگین

نمی‌گویم از حال بد با تو ناله‌ها
لگد جای گرفتاری‌های ناله‌ها

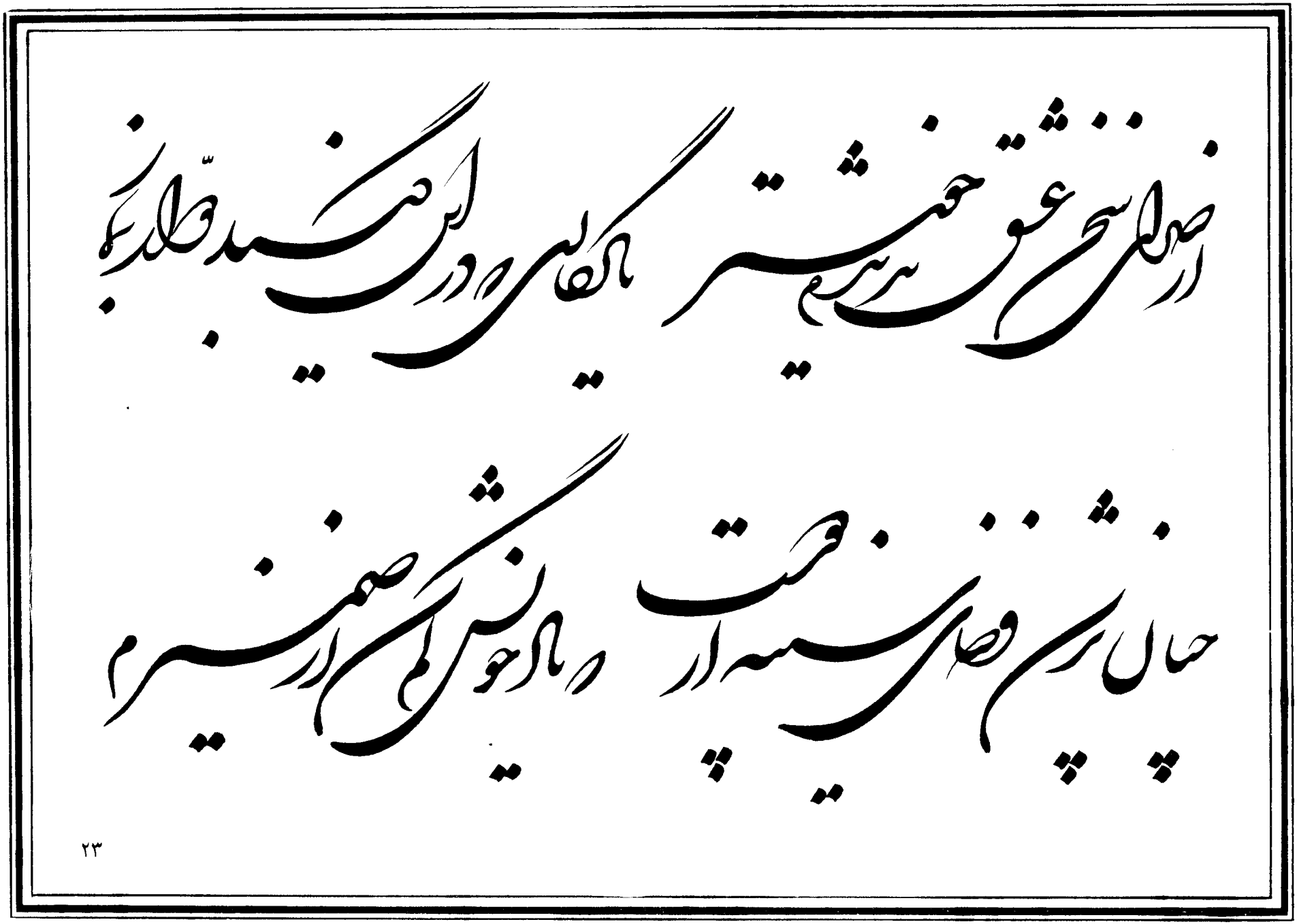

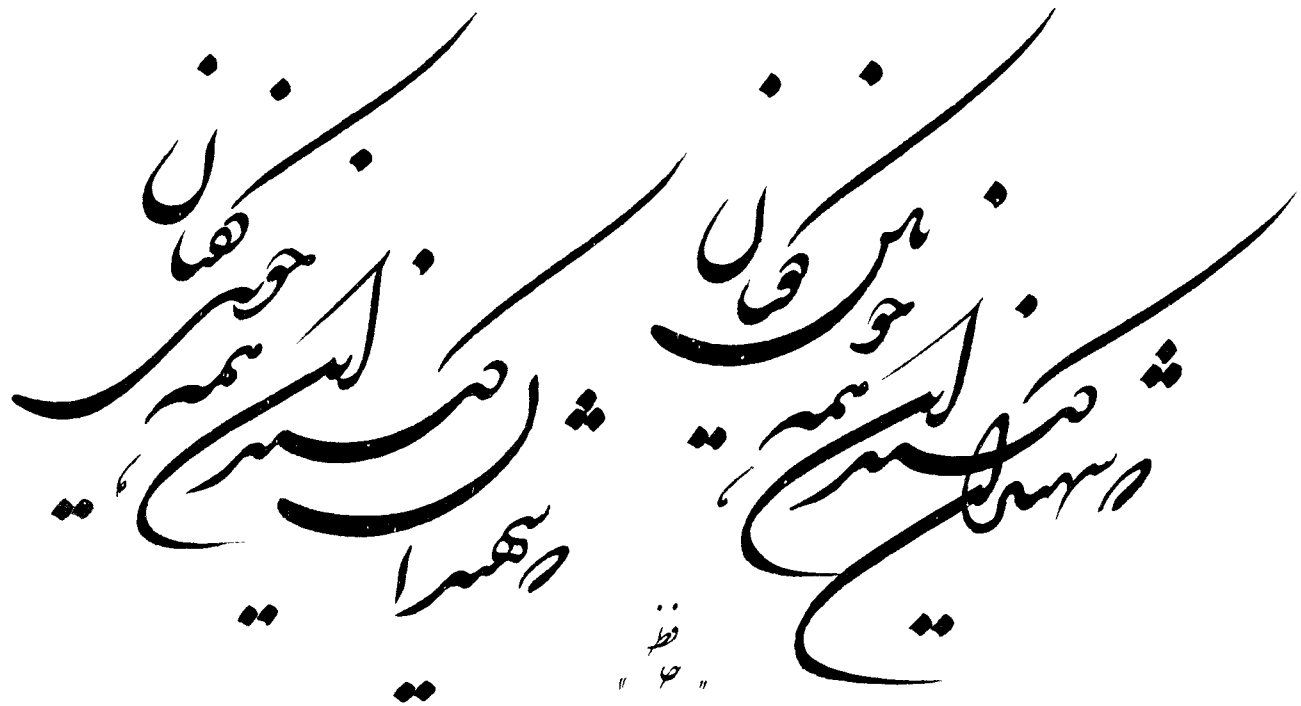

شش ۶۲

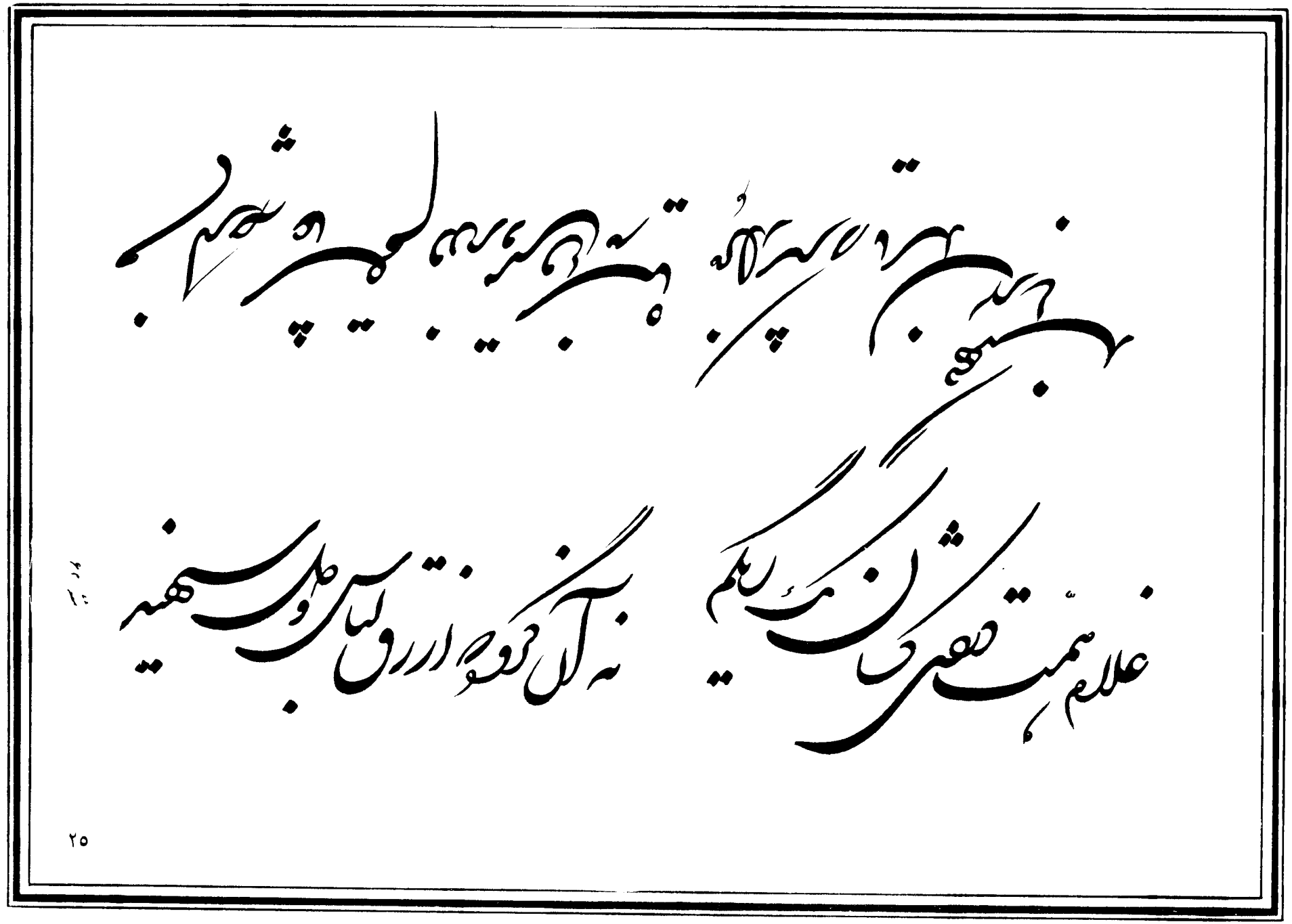

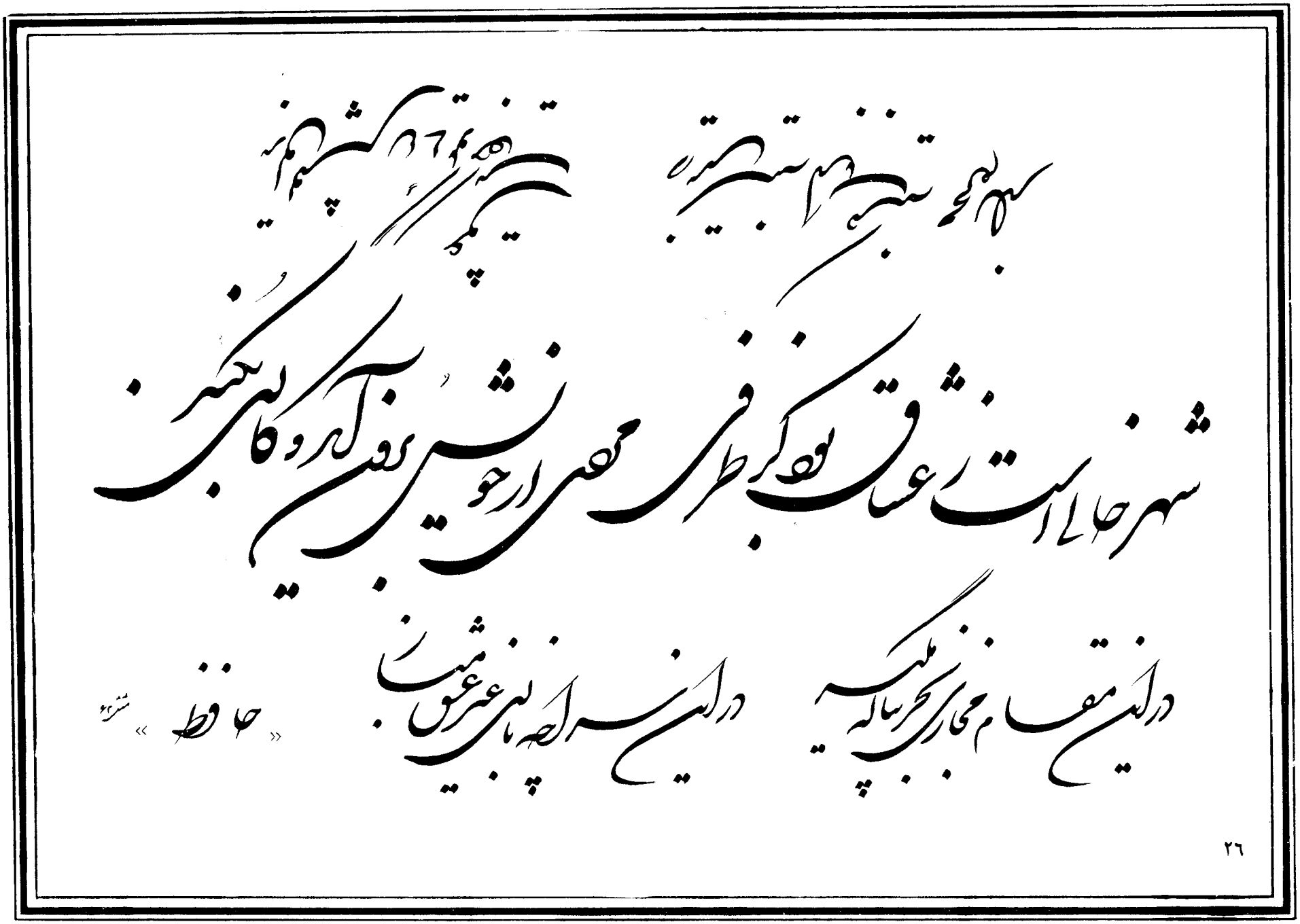
شهر خالی است عاشق کبوتری مهری از خویش بر نوشت و کاری بکن
در این مقام مجاری بحر سالها پیمود
در این سراچه نهادی غریب عشق مباش
«حافظ»

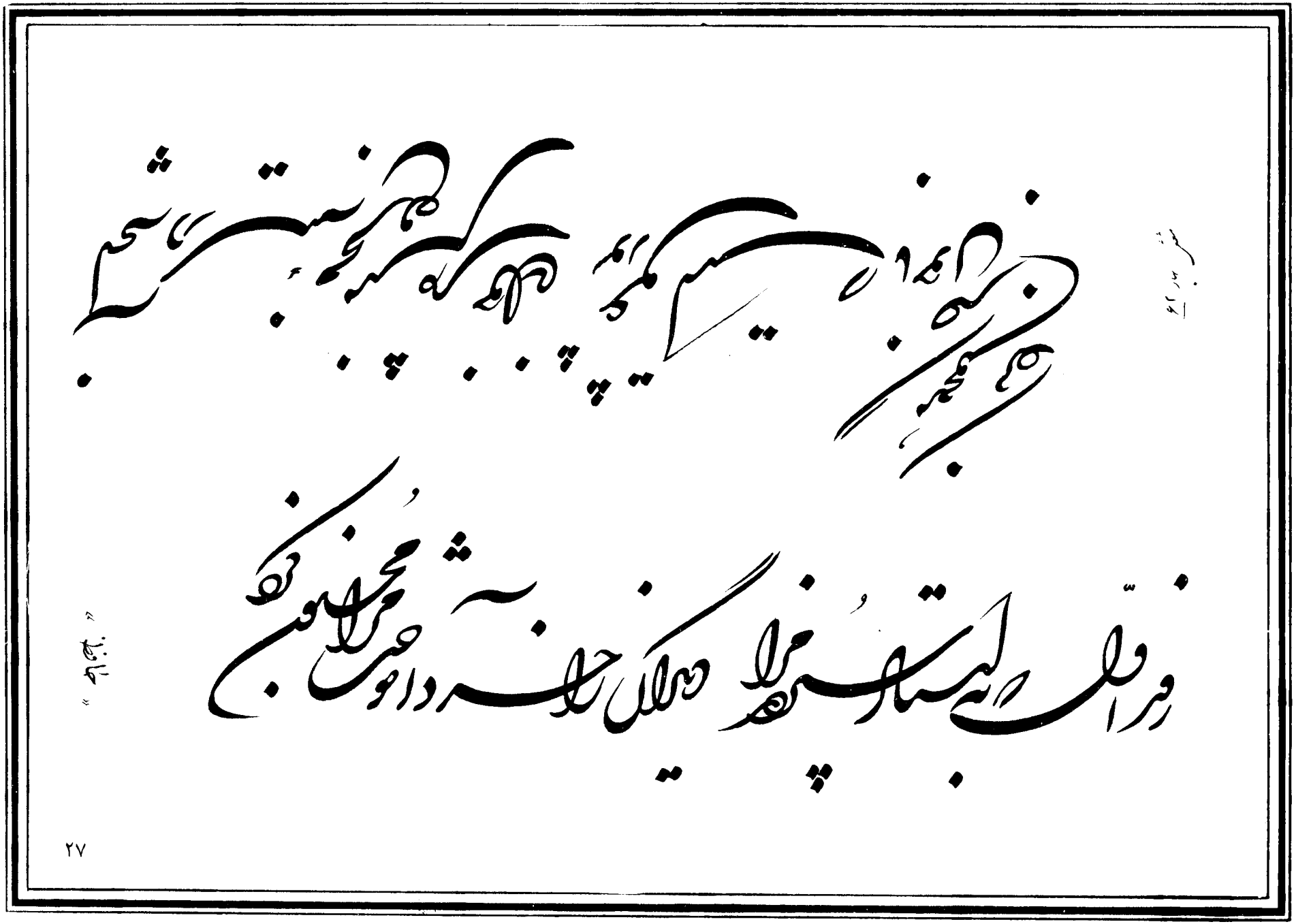

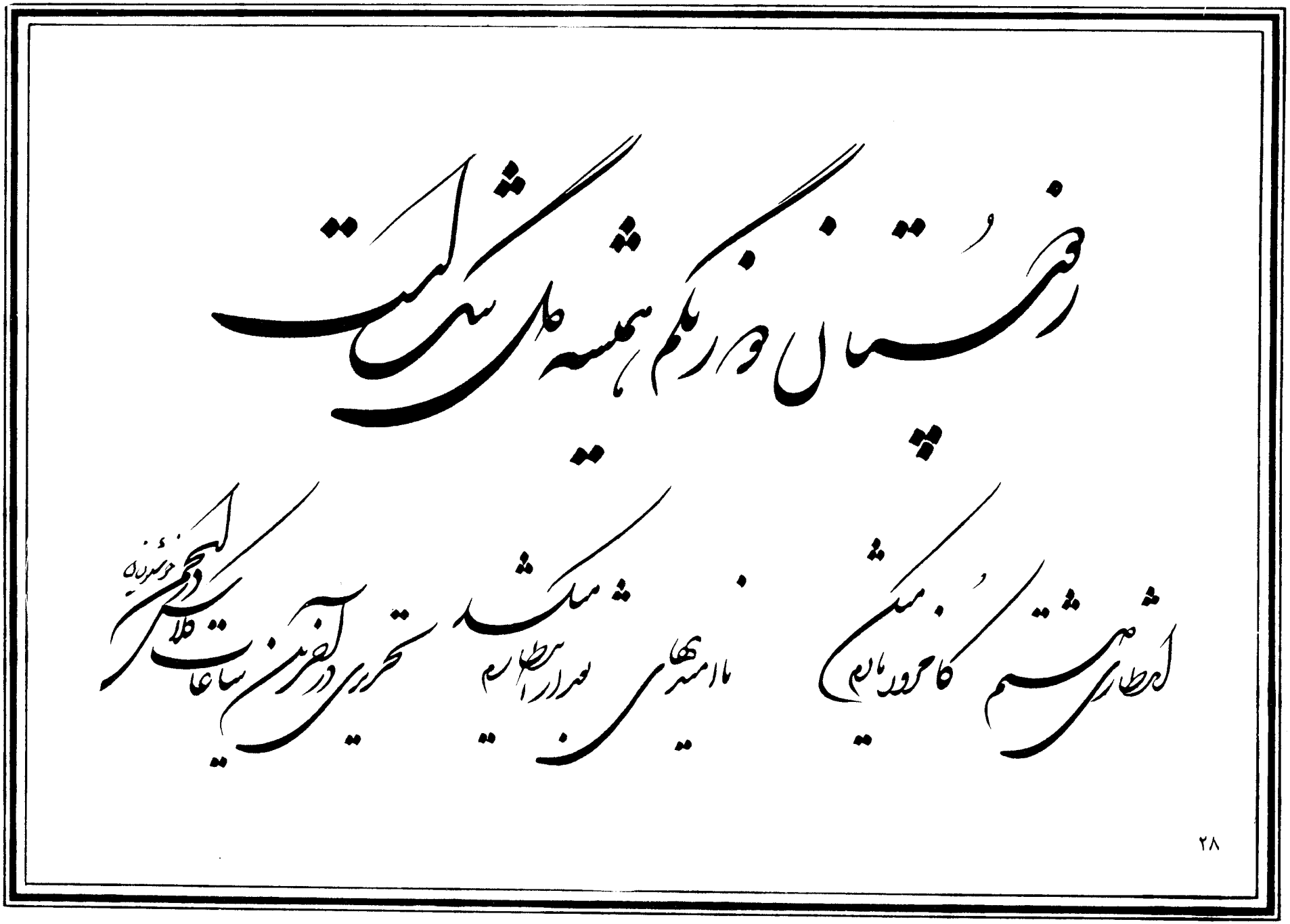
رفتیم و در رکاب همیشه ملی شکست
اکنون که ما شکست خوردیم
ما امیدهای بسیار داشتیم
تحریری در آخرین ساعات قلب
۲۸

ناگهان بانگ برآمد که سحر نزدیک است

«حافظ»

منشر ۶۲

دوستان عزیم و دست ضعیف ما به قلم و این صحیفه

حافظ

صلاح کار کجا و من خراب کجا ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا

گدای میکده را کی بود سزا صحبت کجا و خرقه آلوده ریا کجا

مثنوی

« حافظ »

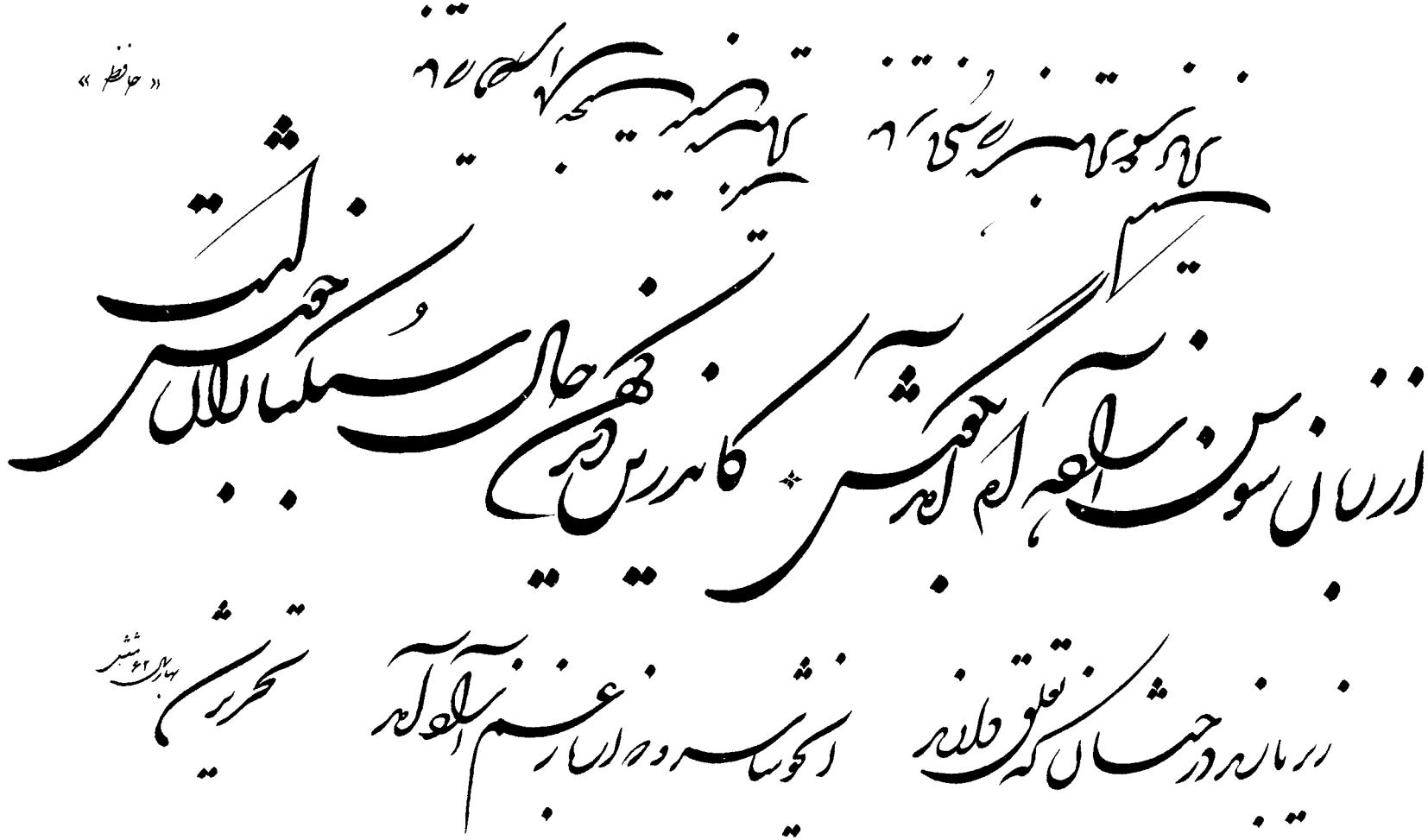

شاکم به بیری در گرفتم گفت
جاوید دولت بیری در زندگی

شعر از استاد گفت رحمه الله

شب به سیک از ناله ای خلقی فریاد کنت
زن مال بکنی بسر دارد سلوک کنت

در کلاس پنجم ابتدایی درس شد

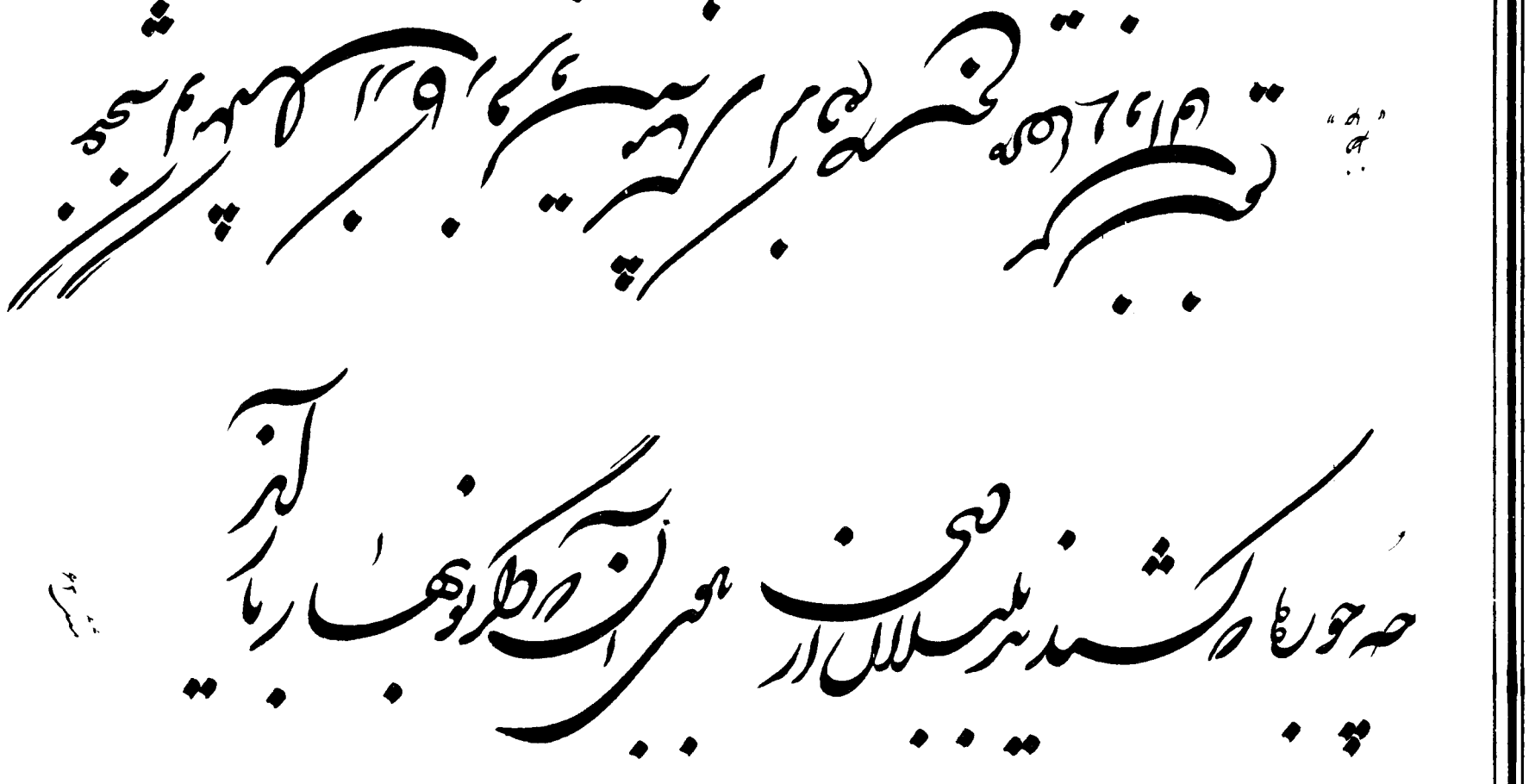

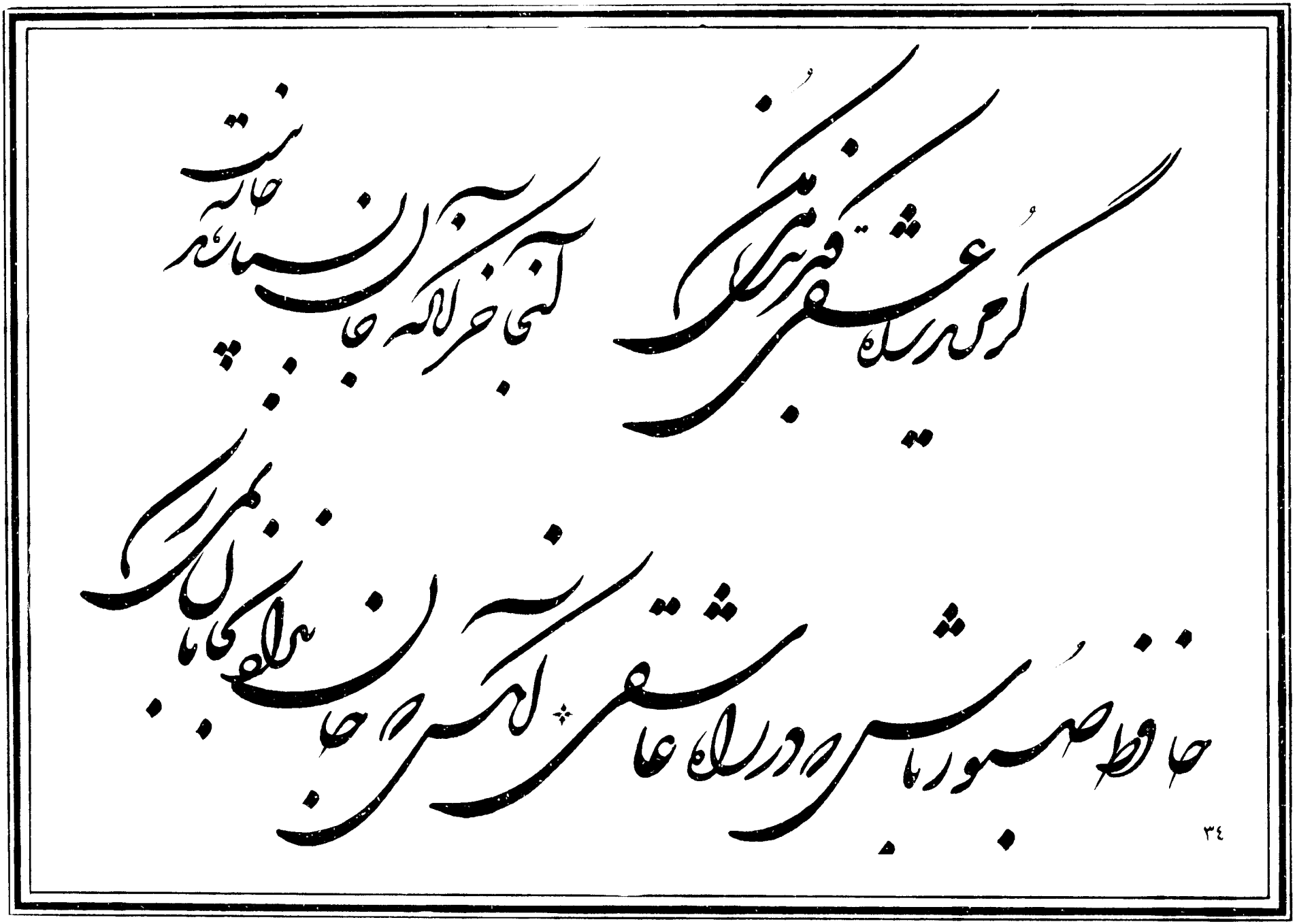
اگر مدعی عشق فرزند
آنجا خرلاکه جان آسان نیست
حافظ صبور باش در راه عاشقی
کآخر چنین بمانی پنهان نمی‌ماند
۳۴

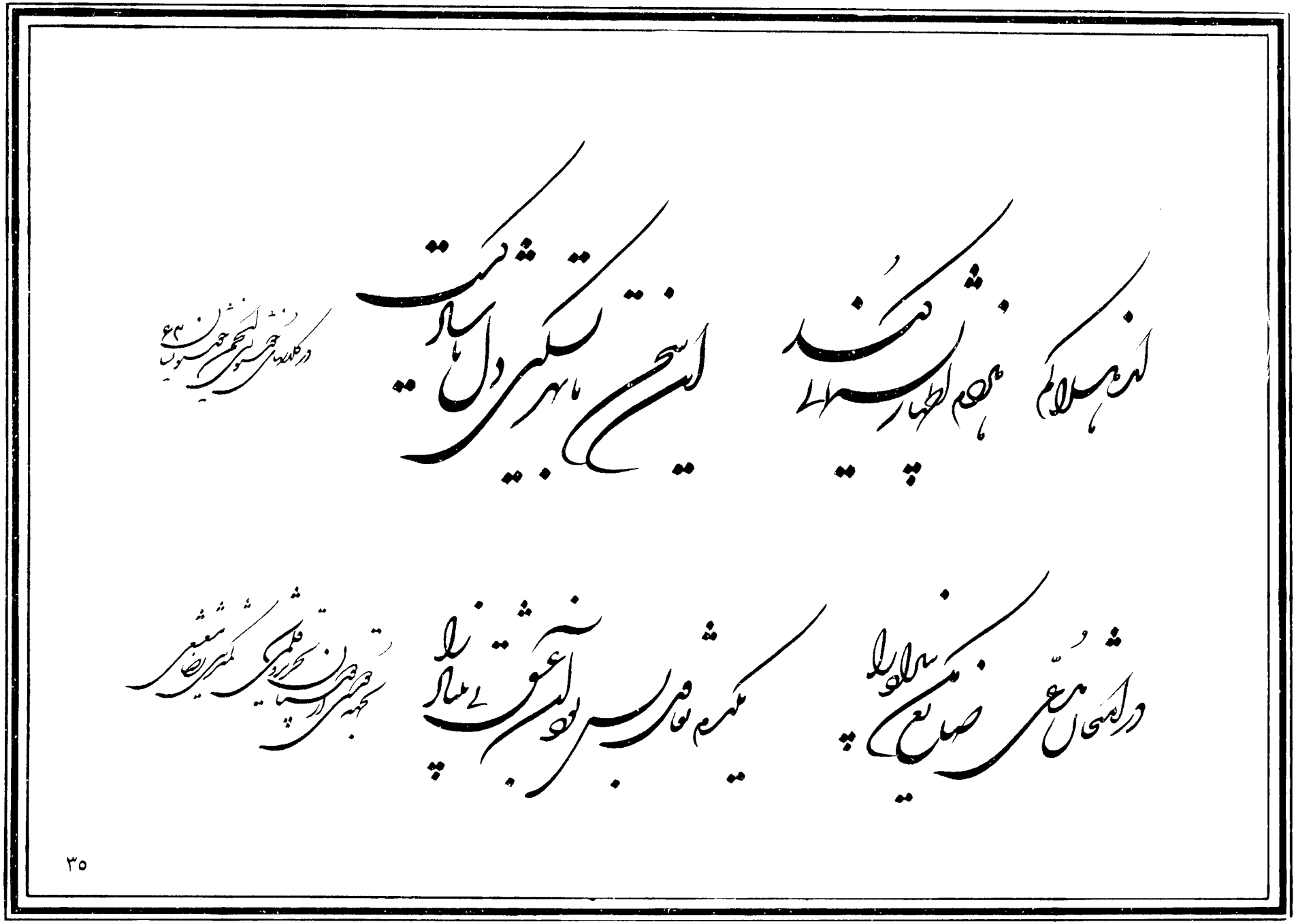
در کلاسهای خوشنویسی انجمن خوشنویسان ایران

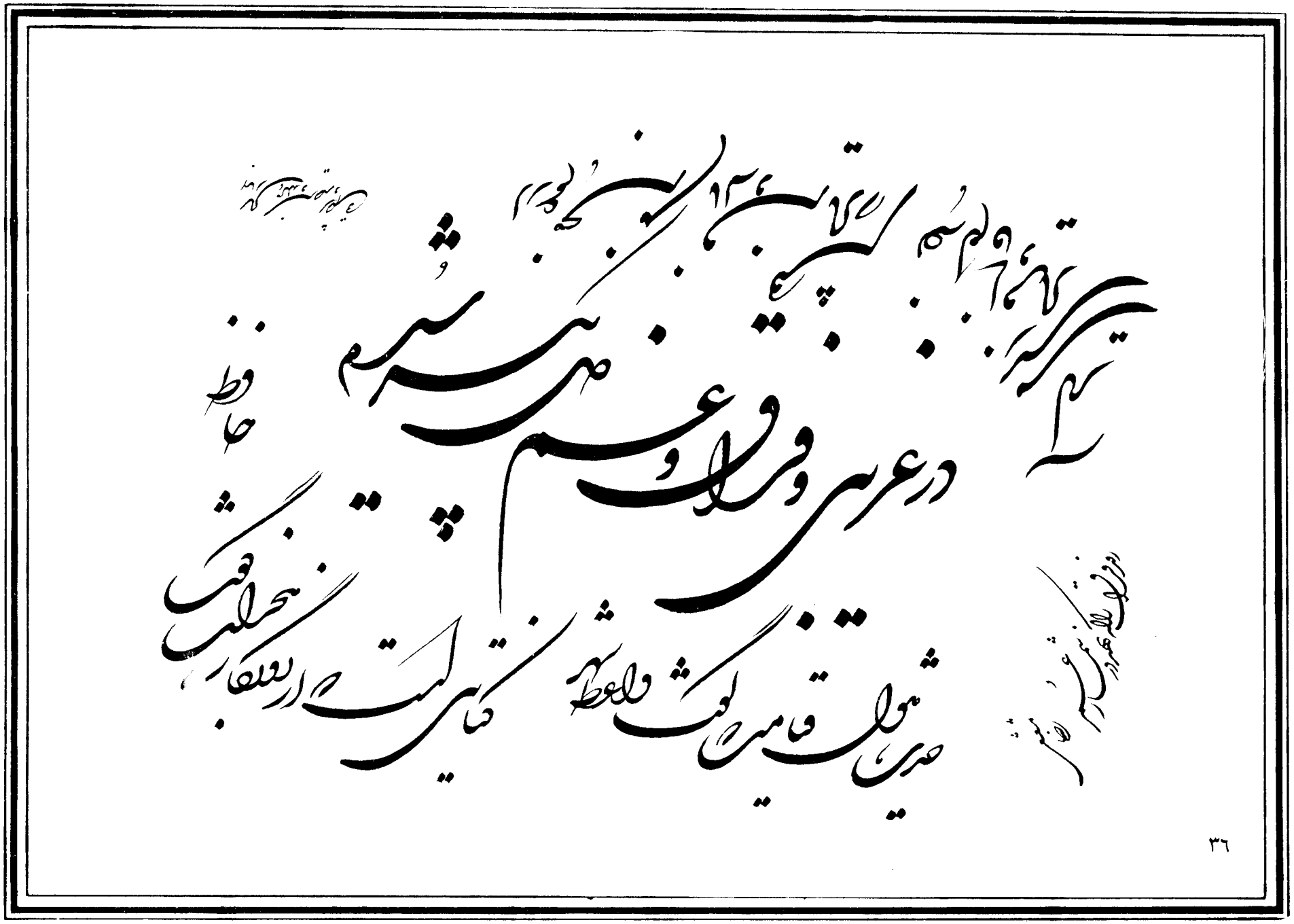

حافظ

نسلان یار دلنواز ما شکرشکن است با شکایت
گر چشمه فلان عشقی نمی‌شکند نبود حکایت

با خط و خال و زلف و رخ هر بتی که هست
جان را بهانه‌ایست که ما محرم رعایت

بنفشه تا تو را حاجی نمی‌گوید چرا گوید
گواه ما شنیدستیم ز هر سو این روایت

در زلف چون کمند و خم ابروی چون کمان
سرها بریده بی‌جرم و جنایت

چشمت نمی‌کند چو خیال تو دلبری
جانا بعید نباشد خود از تو این حکایت

ای لعل را نهایت و حسن تو را کنار
کس صید هیچ دام نمی‌باشد این نهایت

هر صبح بی‌تو آیم و لعل و درت به بام
خورشید چشم خیره کند بی‌عنایت

گر آفتاب جان نه چو خورشید افروزم
یک دم چگونه در سایه عنایت

در این بساط هیچ کم و کاست نیست
از گوشه‌ای نمی‌آیی گوئی مرا چه آیت

از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت

عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ
قرآن ز بر بخوانی با چارده روایت

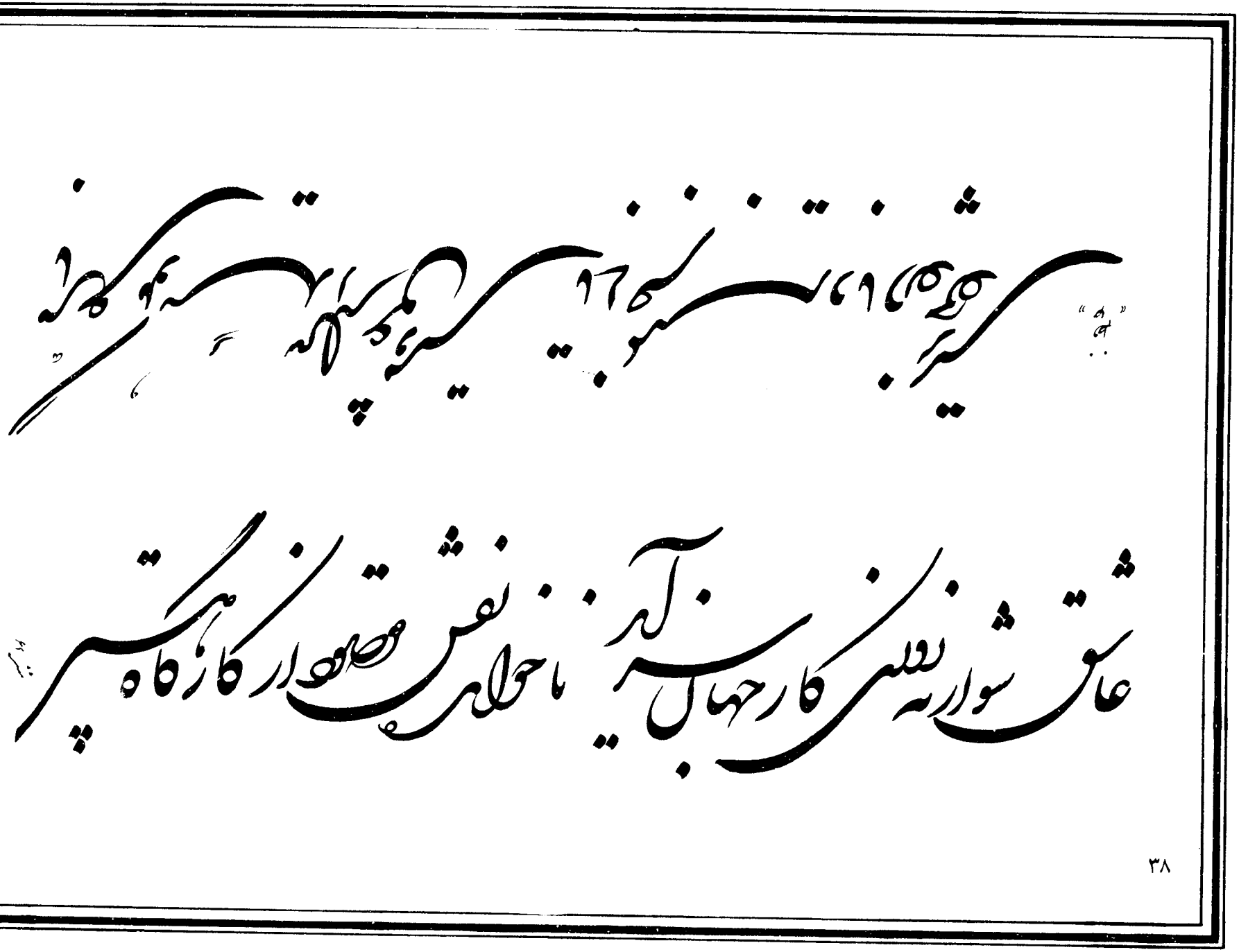

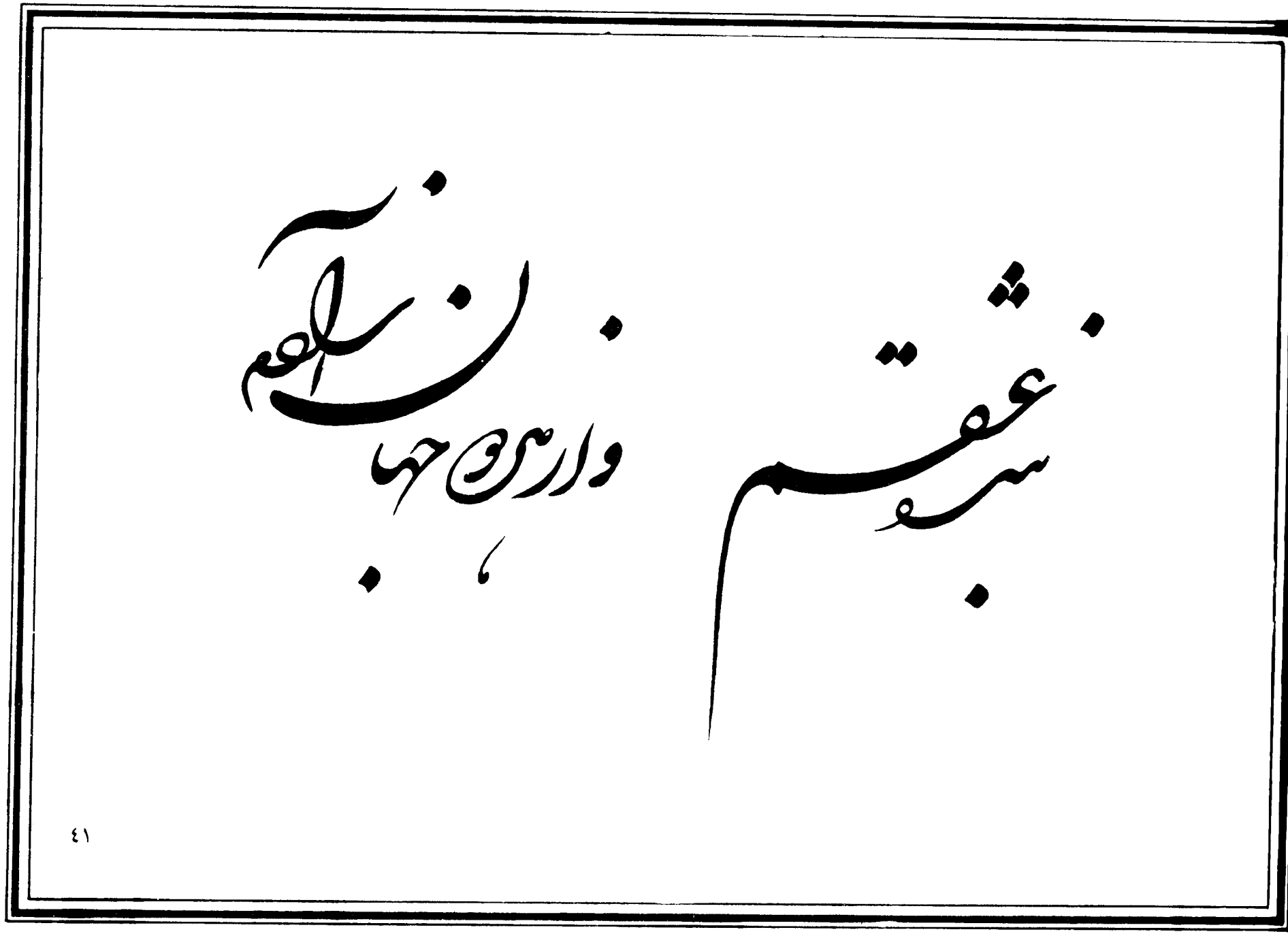
شبی عشقم و ارمی جهانم آرزو

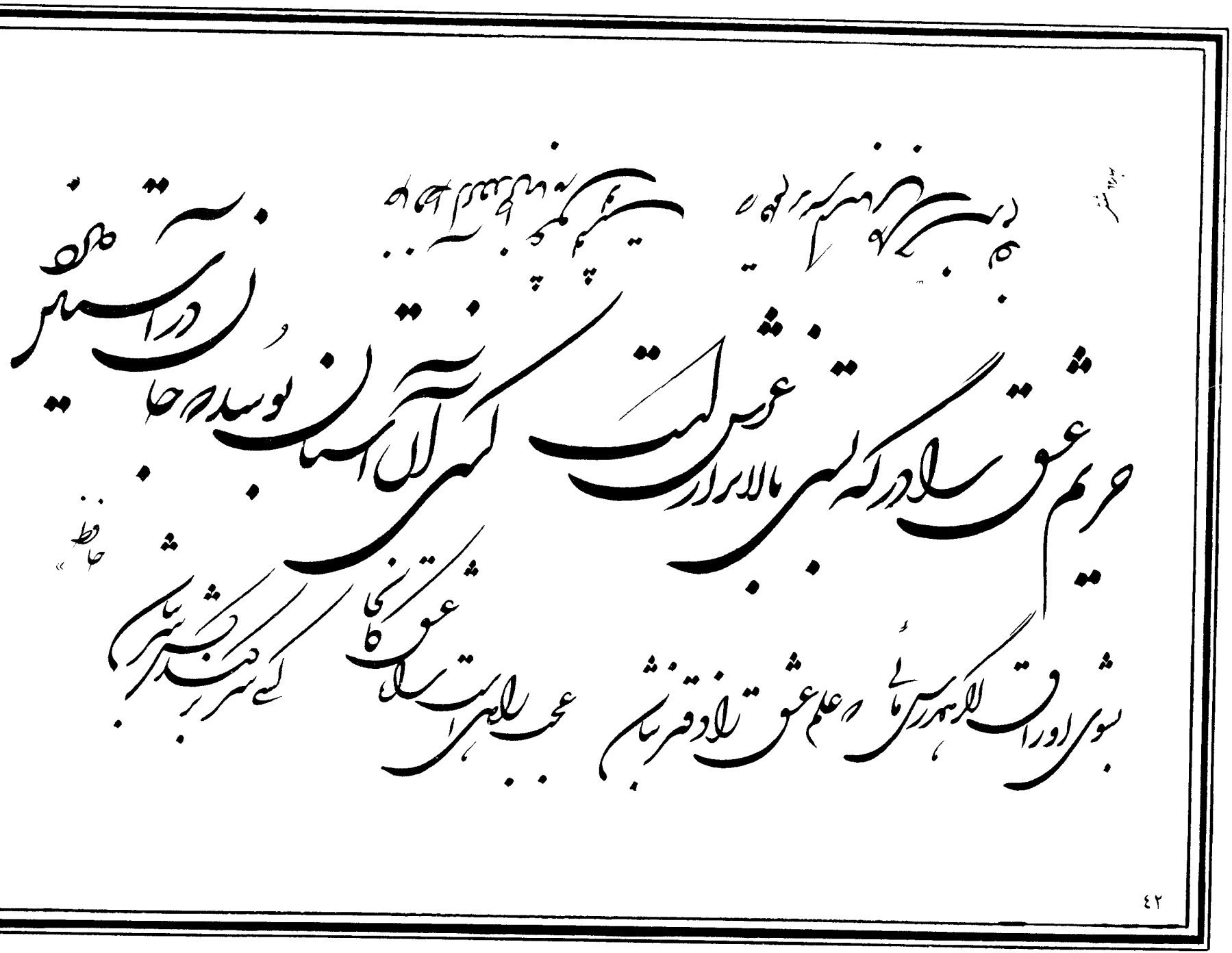
حریم عشق نه جای هوس هوسناک است
بسوی او راه لگد کوب حادثات مشو
عجب ملاحتی و شیوه‌ای و شوخ و دلاک است
که سر بخدمت او بر نهد نه چالاک است
حافظ

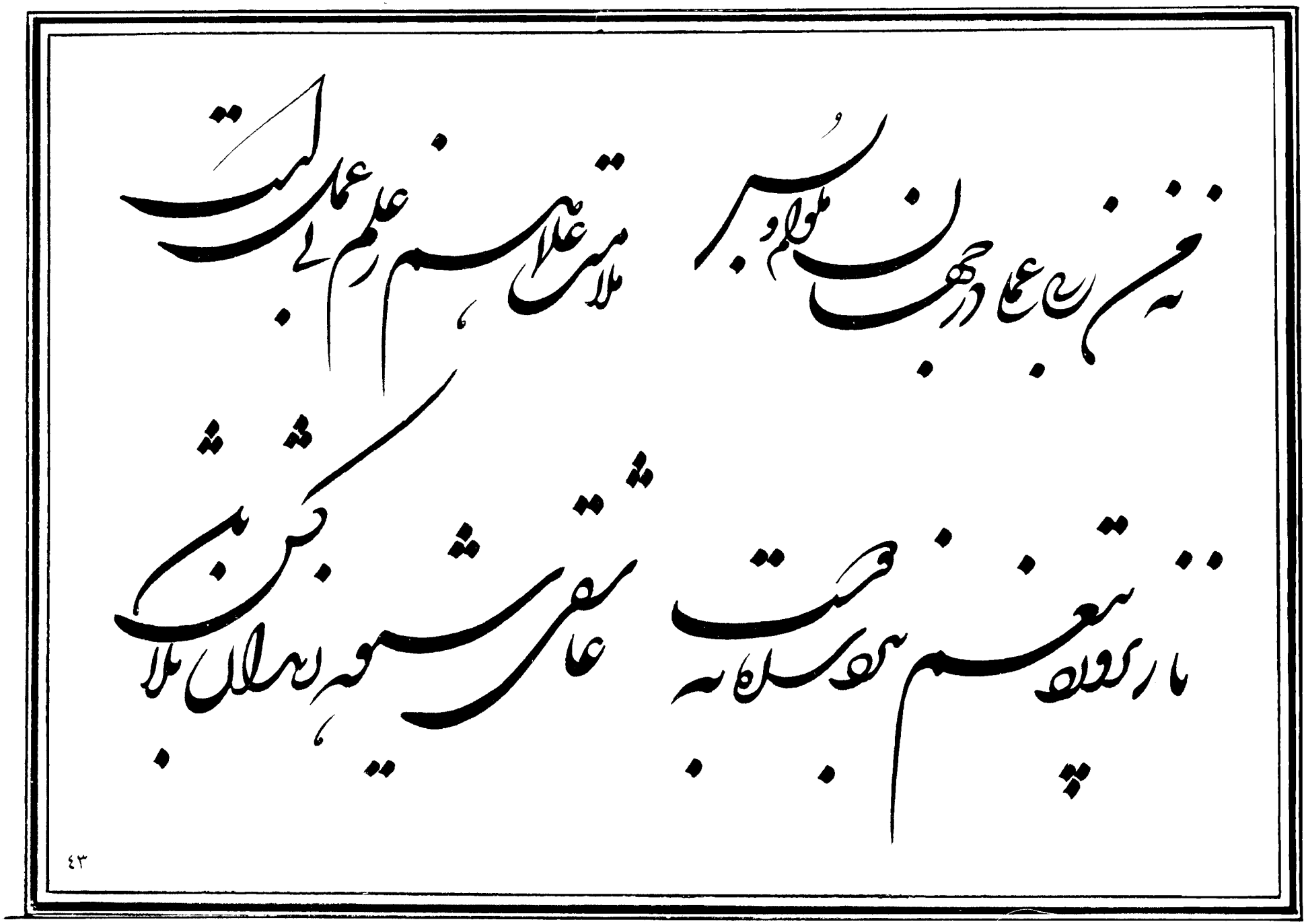
نه خرسند عمامه در جهان مولم و بس
ملا میشو علامه علم عمامه لست
نه تنها تعلم همه سلاله
عالی شیعه ره سالار ملا

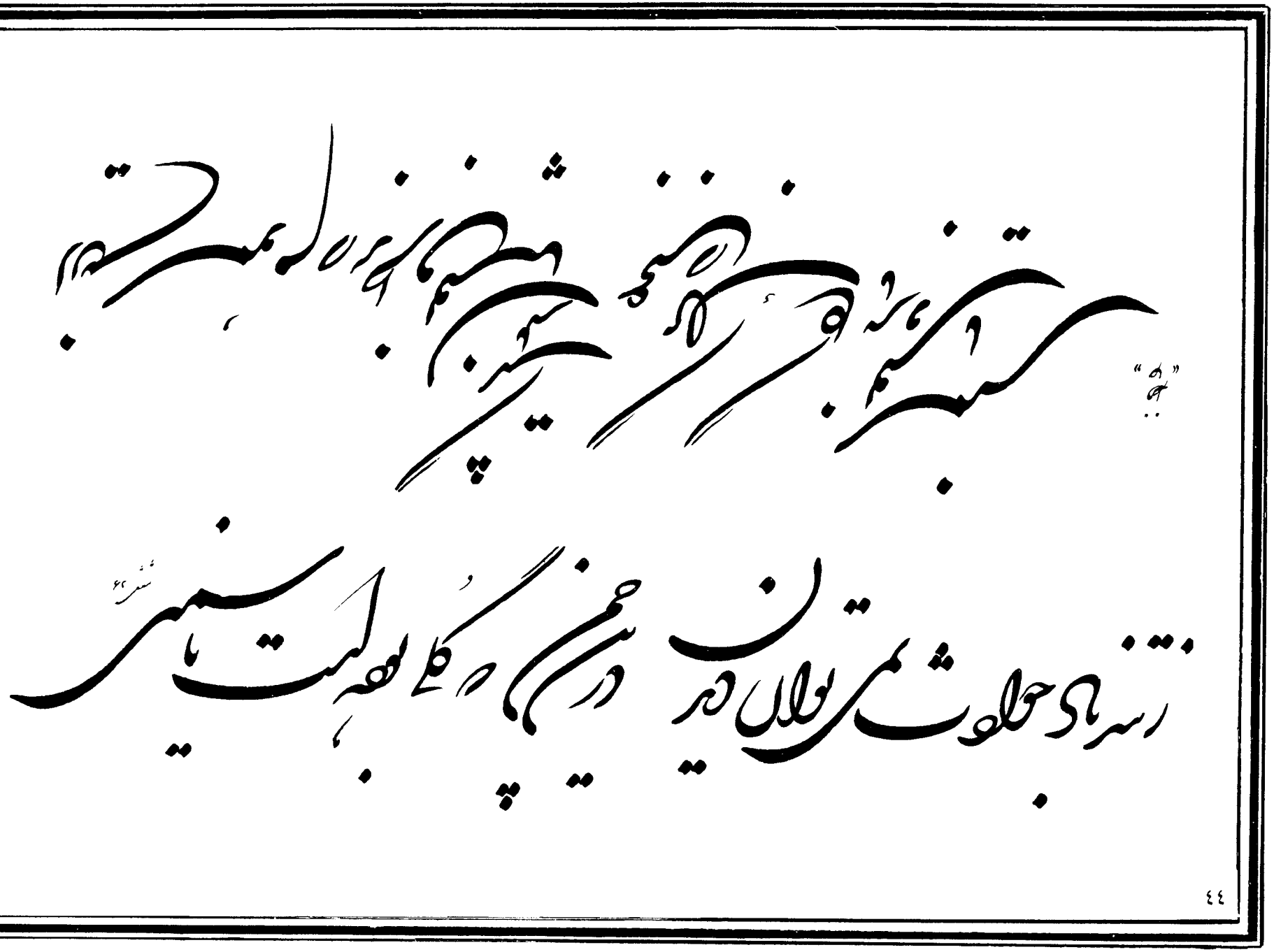

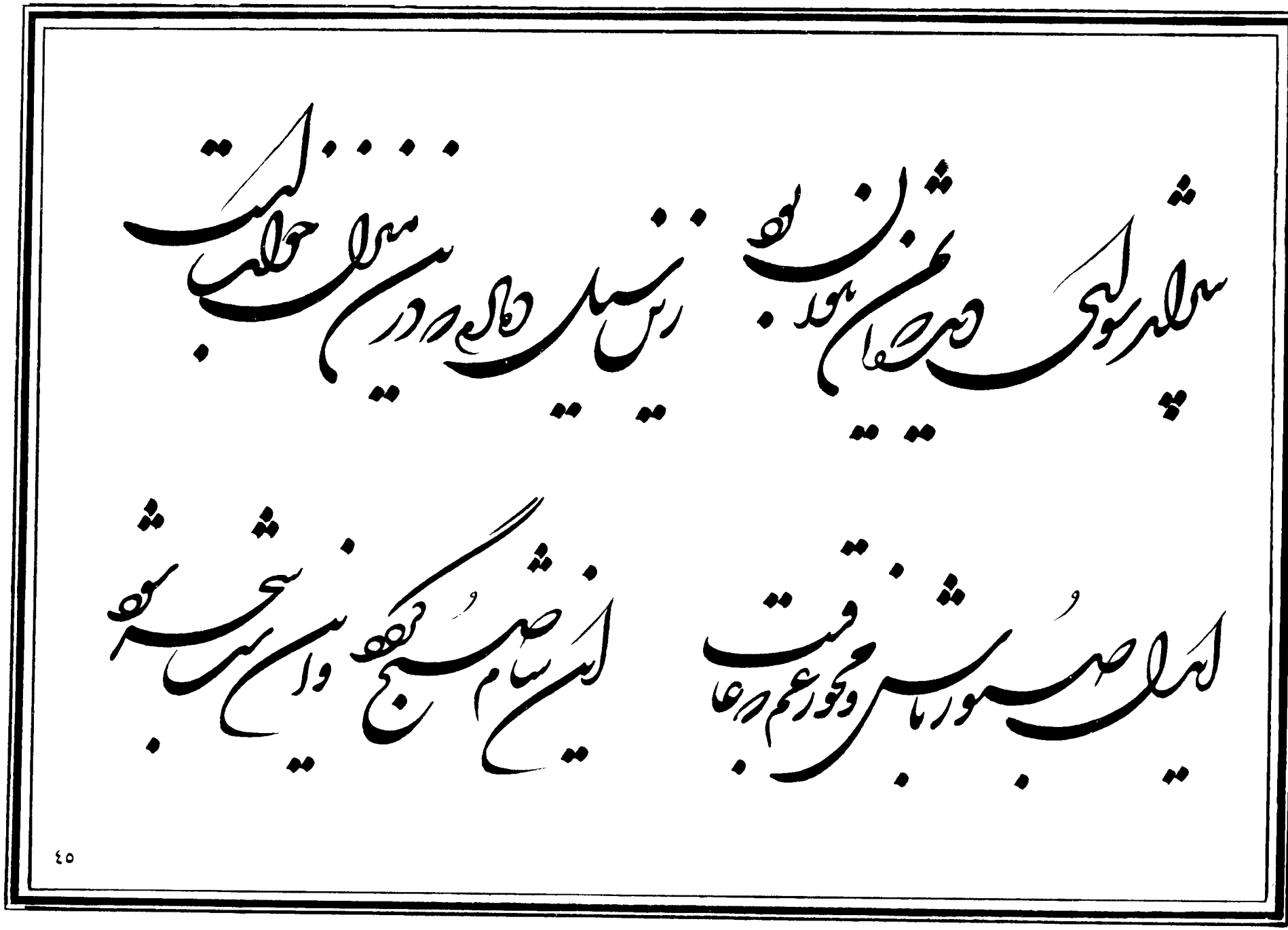

عالم از ناله عاشق مبالا خالی

غزل تصویر شیخ

الا ای طوطی گویای اسرار
که تا عشقم شکر خایی چنین است
چنین شیرین سخن بهر چه نالد
چنین نالان و غمگین بهر چه نالد

در این ره نیست زنهار از بدی ها
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها

«حافظ»

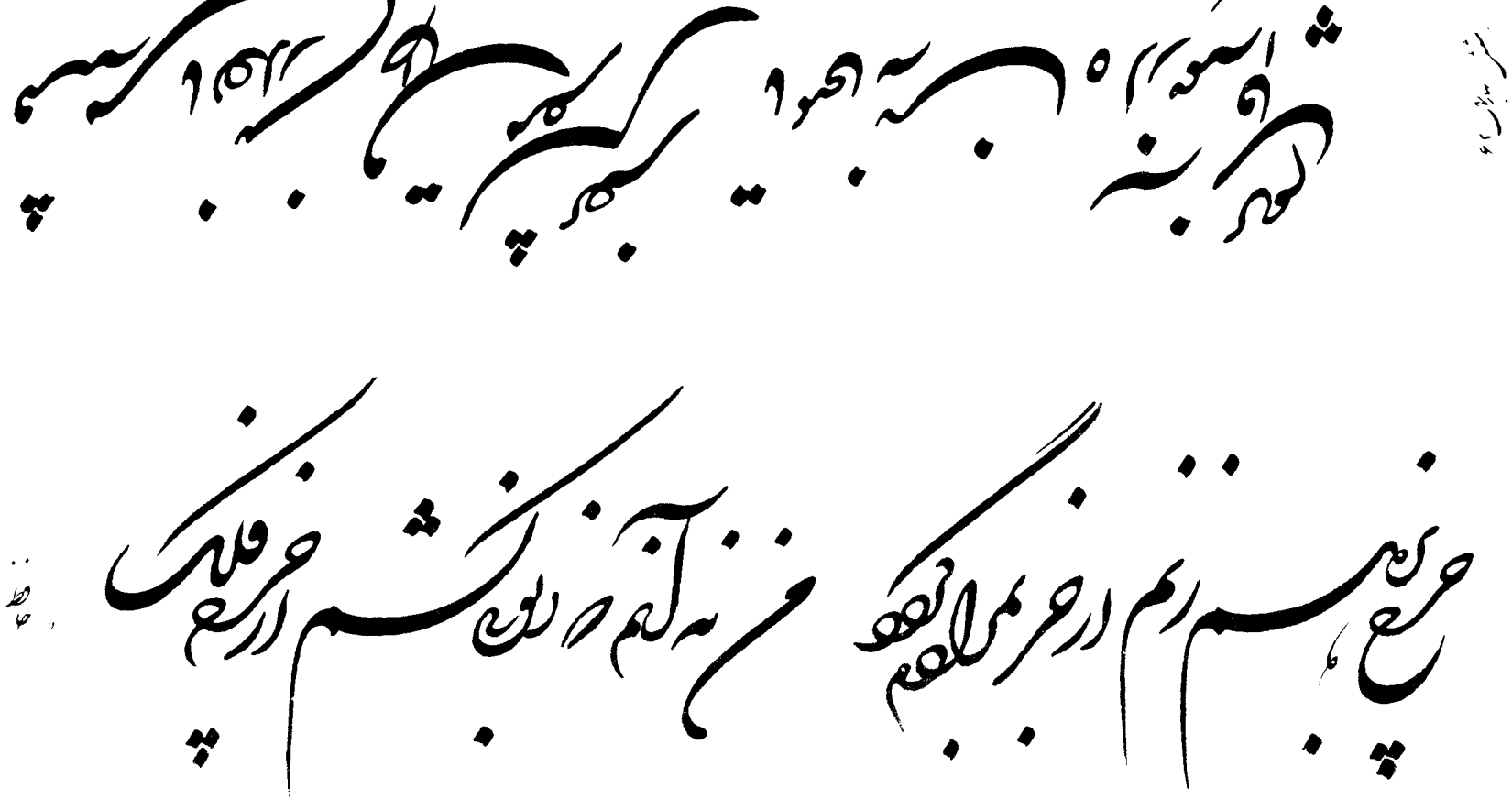

حافظ

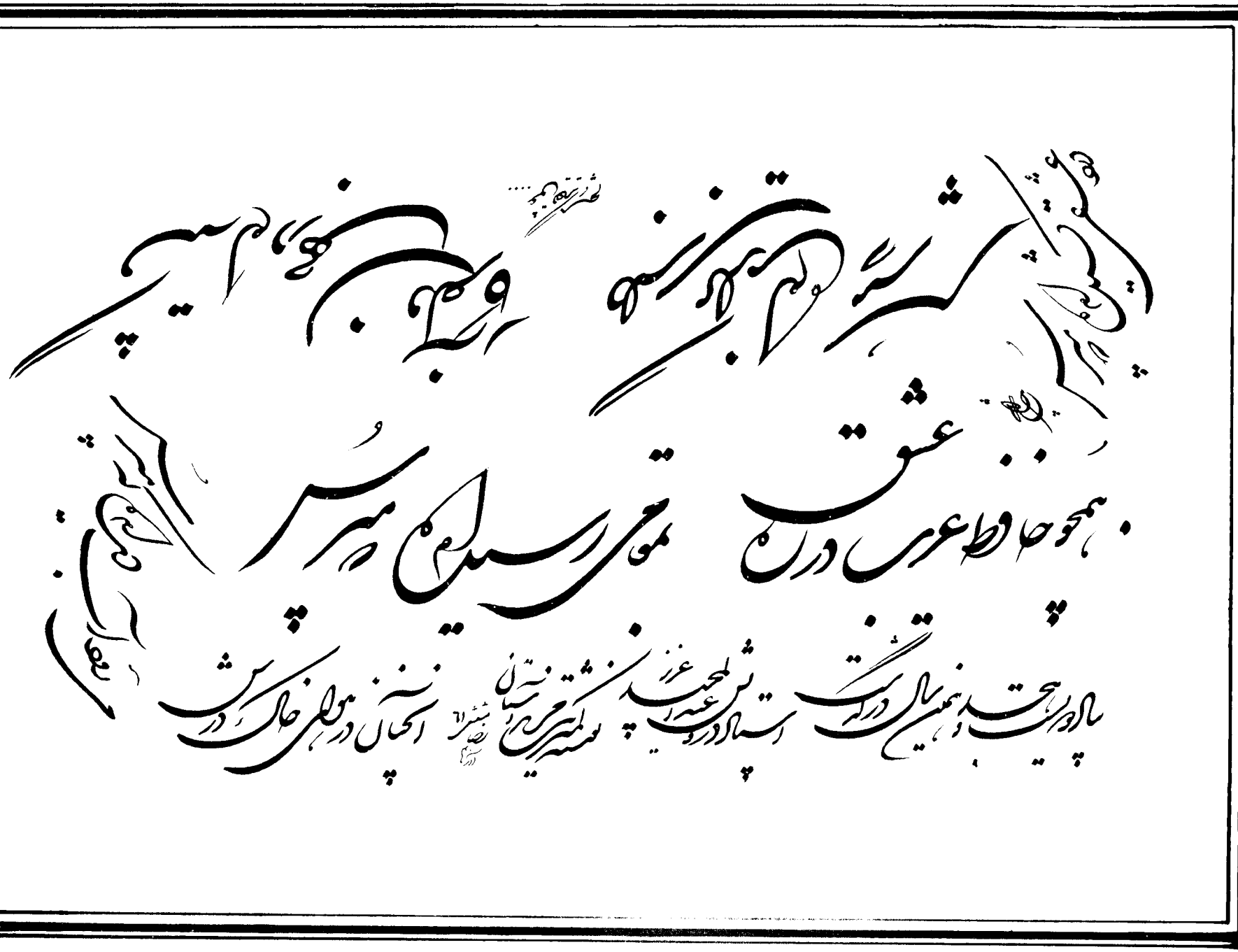

بالای آفتاب سپیدی ز صبح خیز
در صحبت هجر ان سیه ان سیر

مشک دوتا سلسله همه چوگان زنی
در سر لعبت با غیران شاهد نیست

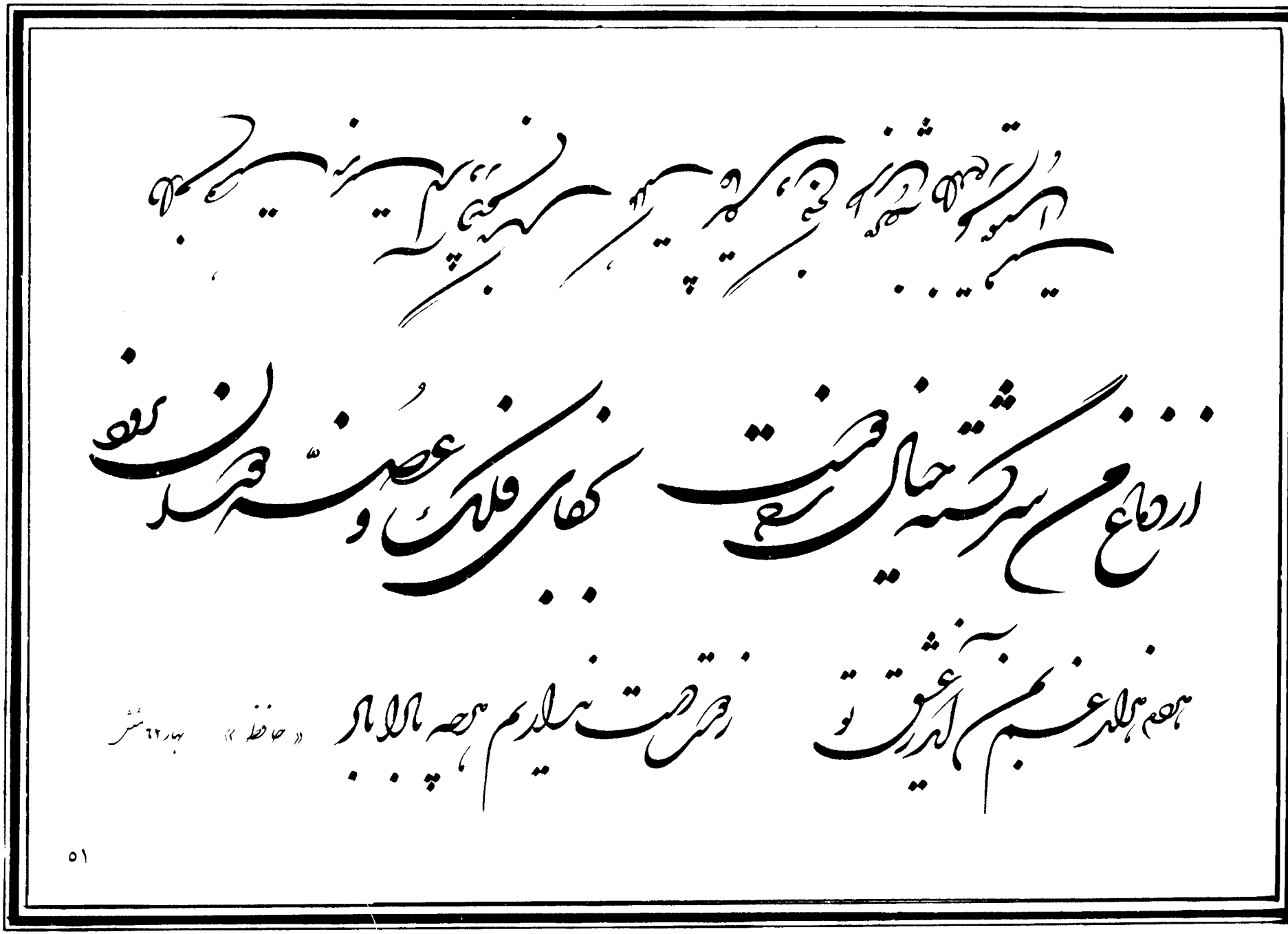
ارتفاع همت سرکشته خیال منست کهای فلک و عنصر قدرت نگون
همه دلدر غم آنیم و غم آنیم که تو زحمت نیلدیم همه بالا بار
«حافظ» بهار ۶۲ شیراز

۵۳

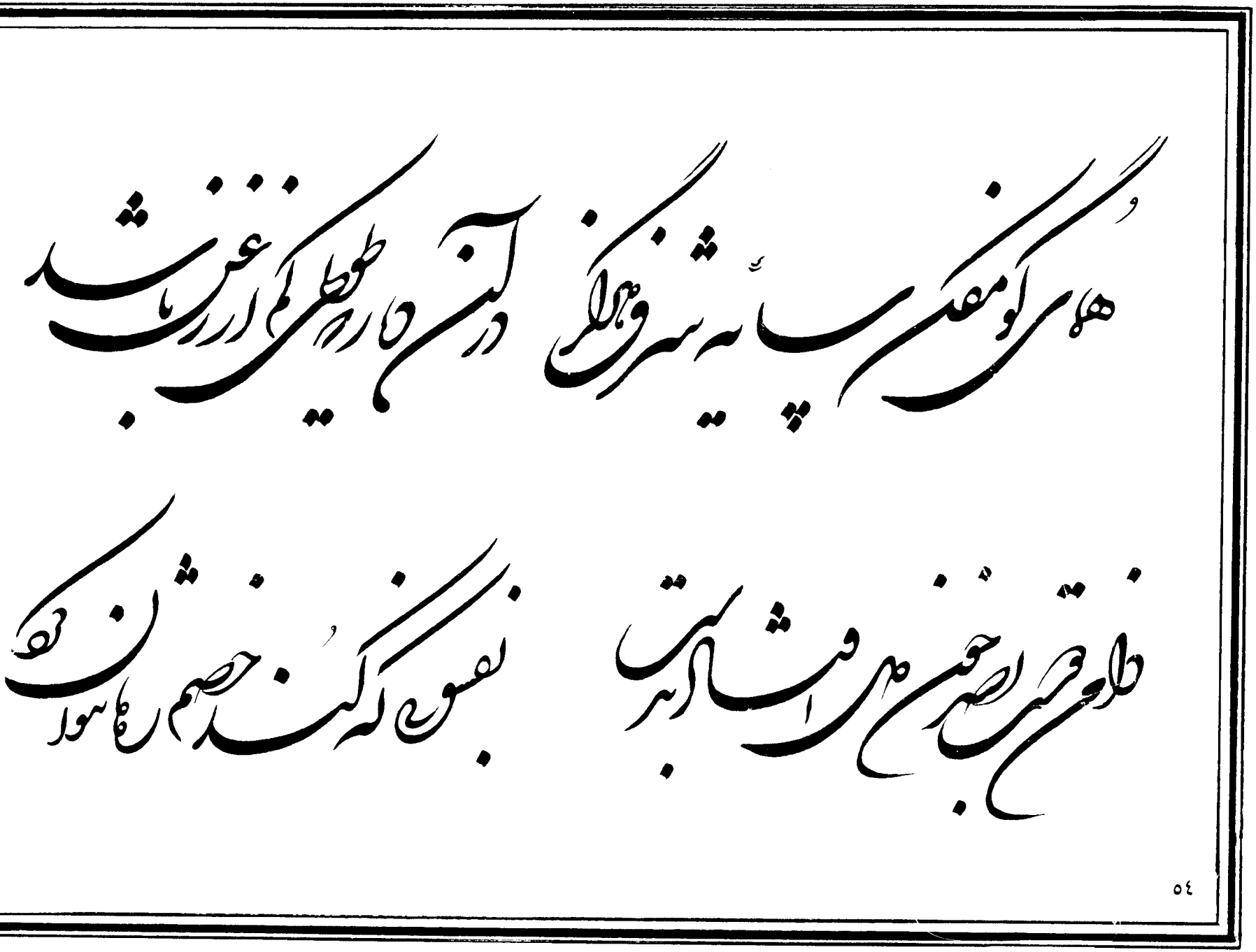
هوس کو مفلس سیاه سر و هوا کن در آب دار طمع کم از رعنا شد
فاقه عرض صنعت هنر فشار بر نفس که کند خصم کاسه لیسان

[illegible]

جز دلم کو ز ازل تا به ابد عاشق رفت
جاودان کس نشنیدیم که در این کار بماند

عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده
بجز از عشق تو باقی همه فانی دانست

«حافظ»

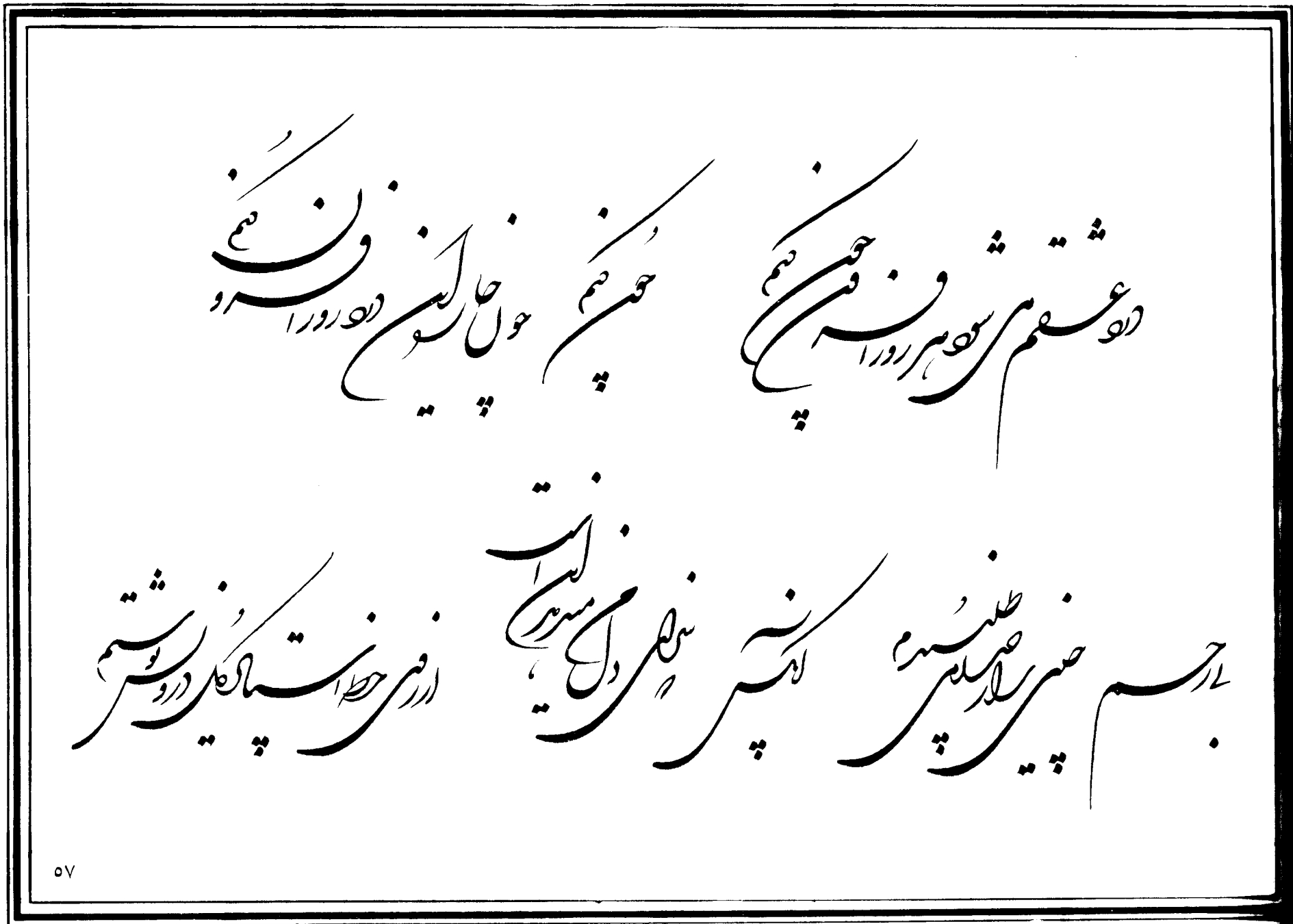

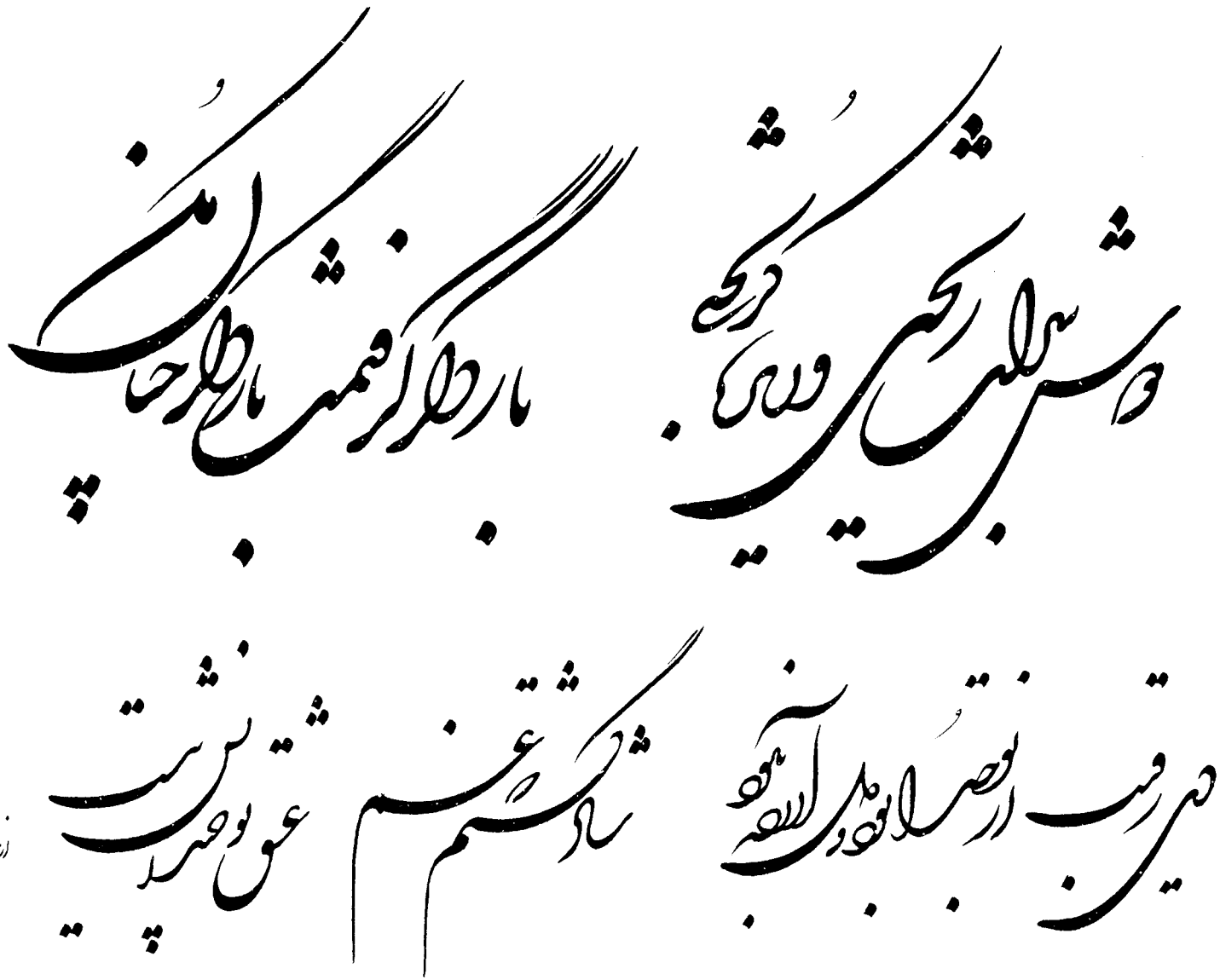

۵۸

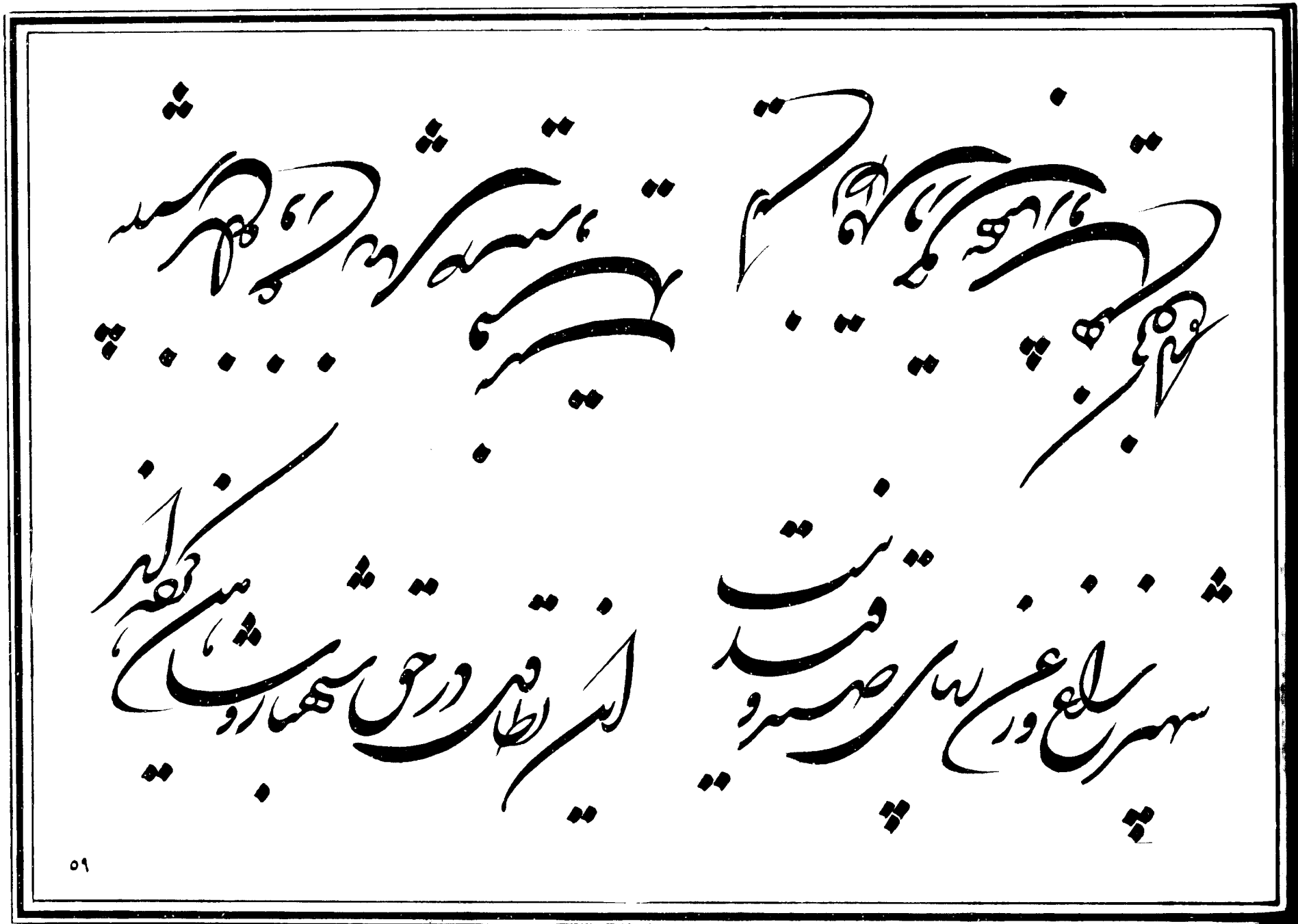

راهنمای شکسته‌خوانی

نگارنده توصیه می‌نماید که ابتدا هنرجویان خود کوشش بخواندن قطعات نمایند و در صورت عدم موفقیت از راهنمای شکسته‌خوانی که بمنظور تسهیل در این امر پیش بینی شده است استفاده نمایند.

صفحه ۱۸ خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم — کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت

صفحه ۱۹ چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست — که خدمتی به سزا برنیامد از دستم

با سرافکندگی وپوزش ازمحضر استادم درویش عبدالمجید عزیز بهار ۶۲ مشعشعی

صفحه ۲۰ واعظ مکن نصیحت شوریدگان که ما — با خاک کوی دوست بفردوس ننگریم
سر ارادت ما وآستان حضرت دوست — که هرچه برسرما می‌رود ارادت اوست.
اگرچه دوست بچیزی نمی‌خرد ما را — بعالمی نفروشیم موئی ازسر دوست

غرض آن دوست دیرین درویش عبدالمجید است.

اوقات خوش آن بود که با دوست بسر رفت — باقی همه بیحاصلی وبوالهوسی بود
روز وصل دوستداران یاد باد
یاد باد آن روزگاران یاد باد
دوست دوست دوست کجائی — دریغ که رفت وصد حیف!
گرچه ایشان فارغند از حال من — ازمن ایشان را هزاران یاد باد

بیاد دوستی از دوستان از دست رفته قلمی شد.

صفحه ۲۲ صورتگر ونقاشم هر لحظه بتی سازم — وانگه همه بتها را درپیش تو بگدازم
نمی‌گویم اززندان هجر آزاد کن ما را — اگر جائی گرفتاری به بینی یاد کن ما را

صفحه ۲۳ از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر — یادگاری که دراین گنبد دوّار بماند
چنان پر شد فضای سینه از دوست — که یاد خویش گم شد از ضمیرم

صفحه ۲۴ که شهیدان کیند این همه خونین کفنان — حافظ – این عبارت دوبار تکرار شده.

صفحه ۲۵ من ارچه عاشقم ورندومست ونامه سیاه — هزار شکر که یاران شهر بی گنهند
غلام همت دردی کشان یک رنگم — نه آن گروه که ارزق لباس ودل سیهند
بدلق پوش ریائی بگو حکایت عشق — که نیست سینه ارباب کینه محرم راز

صفحه ۲۶ شهر خالی است زعشاق بود کز طرفی — مردی از خویش برون آید وکاری بکند
در این مقام مجازی بجز بیاله مگیر — در این سرا چه بازی غیر عشق مباز

صفحه ۲۷ روز اول که به استاد سپردند مرا — دیگران را خرد آموخت مرا مجنون کرد
آنچه درسینه مجروح منش دل خوانی — شورعشق است که با خون جگر معجون کرد

صفحه ۲۸ زدوستان دورنگم همیشه دل تنگ است
انتظاری داشتم کامروز یارم می‌کشد — ناامیدیهای بعد از انتظارم می‌کشد

تحریری در آخرین ساعات کلاس در انجمن خوشنویسان

نازکان را سفر عشق حرام است حرام

صفحه ۲۹ رهرو وادی عشقیم وزسرحدّ عدم — تا باقلیم وجود این همه راه آمده ایم

خداچو صورت ابروی دلگشای توست — گشاد کار من اندر کرشمه های توبست

صفحه ۳۰ مرا وسروچمن را بخاک راه نشاند — زمانه تا قصب زرکش قبای توبست
بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است — بیارباده که بنیاد عمر برباد است

صفحه ۳۱ از زبان سوسن آزاده ام آمد بگوش — کاندرین دیر کهن حال سکباران خوش است
زیر بارند درختان که تعلق دارند — ایخوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

تحریر شد.

صفحه ۳۲ شادم به اسیری که بجز گنج قفس نیست — جائی که توان برد سری زیر پر آنجا

شعر از اساتید کل درویش عبدالمجید

شب به تنگ ازناله ام خلقی که این فریاد کیست — زآن میان یک کس نمی‌پرسد که از بیداد کیست

صفحه ۳۳ چه جورها که کشیدند بُلبلان ازدی — ببوی آنکه دگر نوبهار بازآید
غنچه گو تنگدل ازکارفروبسته مباش — کزدم صبح مدد یابی وانفاس نسیم

صفحه ۳۴ گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن — آنجا جزانکه جان بسپارند چاره نیست
حافظ صبور باش که درراه عاشقی — آنکس که جان نداد بجانان نمی‌رسد

صفحه ۳۵ از هلاکم هردم اظهارپشیمانی کند — این سخن تا بهرتسکین دل ناشاد کیست
در امتحان مدّعی ضایع مکن بیداد را — یکدم تغافل بس بود آن عشق بی بنیاد را
از غم هجر مکن ناله وفریاد که دوش — زده ام فالی وفریادرسی می‌آید

در غریبی وفراق وغم دل پیرشدم — حافظ

صفحه ۳۶ حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر — کنایتی است که از روزگار هجران گفت
روز فراق را که نهد درشمار عمر

صفحه ۳۷ یک غزل کامل حافظ با مطلع زان یار دلنوازم شکری است با شکایت....

صفحه ۳۸ بامدعی مگوئید اسرارعشق ومستی — تا بی خبر نمیرد با درد خودپرستی
عاشق شوارنه روزی کارجهان سرآید — ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

صفحه ۳۹ شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست — صلای سرخوشی ای صوفیان باده‌پرست
مطلب طاعت وپیمان وصلاح ازمن مست — که پیمانه کشی شهره شدم روز الست

صفحه ۴۰ بوعلی سینا ـ دل گر چه در ین بادیه بسیارشتافت — یک موی ندانست ولی موی شکافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت — آخر به کمال ذرّه‌ئی راه نیافت

صفحه ۴۱ بنده عشقم و از هر دوجهان آزادم

حافظ آن روزطربنامهٔ عشق تونوشت — که قلم برسر اسباب دل خرم زد
صفحه ۴۲ حریم عشق رادرگه بسی بالا ترازعرش است — کسی آن آستان بوسد که جان درآستین دارد
بشوی اوراق اگر همدرس مائی — که علم عشق در دفتر نباشد
عجب راهی است راه عشق کآنجا — کسی سر برکند کش سر نباشد
حافظ

صفحه ۴۳ نه من زبی عملی درجهان ملولم وبس — ملامت علما هم زعلم بی عمل است
نازپرورد تنعم نبرد راه بدوست — عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
صفحه ۴۴ زتند باد حوادث نمی‌توان دیدن — در ین چمن که گلی بوده است یا سمنی
ازین سموم که برطرف بوستان بگذشت — عجب که برگ گلی ماند وبوی یاسمنی
صفحه ۴۵ بیدارشوای دیده که ایمن نتوان بود — زین سیل دمادم که دراین منزل خواب است
ایدل صبورباش ومخورغم که عاقبت — این شام صبح گردد واین شب سحرشود
عالم ازنالهٔ عشاق مبادا خالی

صفحه ۴۶ اگرچه مستی عشقم خراب کرد ولی — اساس هستی من زین خراب آباد است
درازل پرتوحسنت زتجلّی دم زد — عشق پیدا شد وآتش بهمه عالم زد
فتنه می‌بارد ازین طاق مقرنس برخیز — تا بمیخانه پناه ازهمه آفات بریم
صفحه ۴۷ چرخ برهم زنم ار جز بمرادم گردد — من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک
صفحه ۴۸ راهی بزن که آهی برسازان توان زد — شعری بخوان که با اورطل گران توان زد
برآستان جانان گرسر توان نهادن — گلبانگ سربلندی برآسمان توان زد

عشق ودیگر هیچ

درد عشقی کشیده‌ام که مپرس — آذر ۶۱
گشته‌ام درجهان وآخر کار — دلبری برگزیده‌ام که مپرس
صفحه ۴۹ همچوحافظ غریب درره عشق — بمقامی رسیده‌ام که مپرس
آنچنان درهوای خاک درش — می‌رود آب دیده‌ام که مپرس

بیاد دویست وهجدهمین سال درگذشت استاد درویش عبدالمجید عزیز نوشته کمترین مرید آستان رضا مشعشعی

صفحه ۵۰ برآی ای آفتاب صبح امید — که در دست شب هجران اسیرم
مباش دربی آزاروهرچه خواهی کن — که درشریعت ما غیرازین گناهی نیست
صفحه ۵۱ دامن دوست بدست آروزدشمن بگسل — ملک عاشقی وگنج طرب هرچه دارم زمن همت اوست
ازدماغ من سرگشته خیال رخ دوست — بجفای فلک وغصه دوران نرود
هردم هزارغم بمن آید زعشق تو — زدوست دست نداریم هرچه بادا باد
صفحه ۵۲ ازهرطرف زخیل حوادث کمینگهی است
حافظ

خواجه حافظ علیه الرحمه: دراین قسمت دوغزل حافظ با مطلع

صفحه ۵۳ ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست...
و
صبا اگر گذری افتدت بکشور دوست...
آمده است.

صفحه ۵۴ همای گومفکن سایه شرف هرگز — درآن دیارکه طوطی کم اززغن باشد
دامن دوست بصد خون دل افتاد بدست — بفسونی که کند حصم رهانتوان کرد
می‌خورکه عاشقی نه بکسب است واختیار — این موهبت رسد زمیراث فطرتم
صفحه ۵۵ جزدلم کوزازل تابه ابد عاشق رفت — جاودان کس نشنیدم که دراین کاربماند
عرضه کردم دوجهان بردل کارافتاده — بجزازعشق توباقی همه فانی دانست

صفحه ۵۶ عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت — که گناه دگری برتونخواهند نوشت
من اگرنیکم اگربد توبروخود راباش — هرکسی آن درَود عاقبت کارکه کشت

صفحه ۵۷ درد عشقم می‌شود هرروزافزون چون کنم — چون کنم چون چاره این درد روزافزون کنم
بی‌رحم چنین رازخدا می‌طلبیدم — آنکس که سزای دل من می‌دهد این است
از روی خط استاد کل درویش نوشتم.

صفحه ۵۸ دوش شراب ریختی وزبرما گریختی — بارد گرگرفتمت.بارد گرچنان مکن
دی رقیب ازتوجدا بود ودل آزرده نبود — شاد گشتم که غم عشق توچندانش نیست

صفحه ۵۹ شهپرزاغ وزغن زیبای صید وقید نیست — این تطاول درحق شهباز وشاهین کرده اند
همین بیت در صفحه تکرارشده – دومرتبه با ترکیب دیگر آورده شده.

صفحه ۶۰ دوستان عیب من بیدل حیران مکنید — یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب
گوهری دارم وصاحبنظری می‌جویم — کز هرزبان که می‌شنوم نامکرر است

ذره را تا نبود همت عالی حافظ — مایه خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست
طالب چشمه خورشید درخشان نشود — می‌کنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم

ISBN:978-964-306-041-1

انتشارات یساولی

تهران - میدان انقلاب - بازارچه کتاب - طبقه زیرین - تلفن : ۶۶۴۶۱۰۰۳ نمابر : ۶۶۴۱۱۹۱۳